ماندگار

روزنامهٔ صبح افغانستان

www.mandegardaily.com | سال ۱۰ | شمارهٔ مسلسل ۲۴۰۰ | چهارشنبه ۵ جدی/دی ۱۳۹۷ | ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ | ۲۶ دسمبر ۲۰۱۸ | چاپ همزمان در کابل و هرات

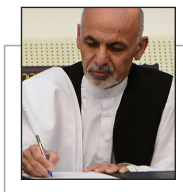

۳

غنی ساختارها را فدای اهداف سیاسی خود می‌کند

۲

آبروی بربادرفتهٔ کمیسیون‌های انتخاباتی

«فقط چهل درصد آرای کابل شمارش شده است»

معترضان:

کمیسیون انتخابات به اشارهٔ ارگ کار می‌کند

صفحه۳

دادستانی کُل:

امسال بیش از ۱۴ هزار رویداد جنایی ثبت و بررسی شده است

دادستانی کُل افغانستان می‌گوید که بیش از ۲۸ میلیون و ٤٠٠ هزار افغانی و چهل و دو هزار و ٦٨٣ دالر امریکایی از بابت رسیده‌گی به پرونده‌های جرمی از سوی این نهاد، به خزانه دولت واریز شده است.

مسوولان در این نهاد گفته اند که درسال روان خورشیدی بیش از ١٤هزار رویداد جنایی در این اداره ثبت و مورد بررسی قرار گرفته است.

درگزارشی که دیروز از سوی دادستانی کُل افغانستان به نشر رسیده، آمده است که چهارده هزار و ١٣٩ رویداد جنایی در کشور ثبت شده است که از این میان، بیش از ١٦٠٠ قضیه آن جرمی و ١٢ هزار و ٤٤٠ قضیه دیگر آن جرایم مختلف بوده است.

این گزارش می‌رساند که بیش از دوازه هزار و ٣٠٠ قضیه که صورت دعوی آن از سوی محاکم ترتیب شده، نهایی شده است.

دادستانی کُل گفته است: «از مجموع این قضایا، ٨١٤ مورد آن تحت کار، ٣٥٧ قضیه به مراجع مربوط مسترد شده و ٤٤٩ قضیه دیگر نسبت عدم دلایل کافی الزام، حفظ شده است».

به گزارش خبرگزاری هشدار، ادارهٔ معاونت دادستانی کُل افغانستان تأکید کرده است که تنها در ربع چهارم سال مالی ١٣٩٧ خورشیدی، در سراسر کشور بیش از یک هزار و ٦٠٠ رویداد جنایی اتفاق افتاده است که ١٣٤ مورد آن جرمی و یک هزار و ٤٨٥ مورد دیگر آن جرایم مختلف بوده است.

بر بنیاد این گزارش از مجموع چهارده هزار و ١٣٩ قضیه بیش از ٥١٠ مورد آن قتل، ٣٧٨ قضیه جرایم ترافیکی، ١٥٠ مورد سرقت، ٧٤ مورد جرایم اخلاقی، ٣٨ مورد قاچاق مواد مخدر و بیش از ٥٤٠ مورد دیگر نیز جعل، رشوه و اختلاس بوده است.

این درحالی است که سال گذشته نیز دادستانی کُل افغانستان گزارش داده بود که در جریان یک سال نزدیک به ٣٤٥٠٠ پرونده بررسی شده است. پرونده‌های که در سال ١٣٩٥ از سوی این نهاد مورد بررسی قرار گرفته نیز به همین میزان بوده است اما در سال ١٣٩٤ این نهاد در مجموع به ٣٣ هزار پرونده رسیدگی کرده بودند.

دانفورد:

مأموریت نظامی امریکا در افغانستان طبق برنامه پیش می‌رود

در حالی که گزارش‌هایی دربارهٔ خروج بخشی از نیروهای امریکایی از افغانستان منتشر شده است، رییس ستاد مشترک ارتش امریکا اعلام کرد: ماموریت سربازان در افغانستان طبق برنامه پیش می‌رود.

خبرگزاری رویترز نوشته است، جوزف دانفورد در مراسمی به مناسبت جشن کریسمس در کمپ دالکه غربی در افغانستان اعلام کرد: شایعات بسیاری وجود دارد. اما میزان ماموریت ما به همان اندازه است که در گذشته بوده است.

دانفورد در حالی این اظهارات را بیان کرد که دولت ترامپ به پنتاگون دستور داده است که برنامه‌های خروج ٧٠٠٠ سرباز امریکا از افغانستان را فراهم کند اما ژنرال اسکات میلر، یکی از فرماندهان ارشد امریکا گفته بود: دستور کاهش نیروهای امریکایی در افغانستان هنوز به فرماندهی مستقر در اینجا ارجاع داده نشده است.

دانفورد در جمع سربازان مقیم این کمپ در ٦٠ مایلی جنوب کابل این تضمین را داد که فرماندهان نظامی امریکا در صورت هر گونه تغییری هر چه سریع‌تر اعلام عمومی کنند.

او می‌افزاید: مطمین هستم که ژنرال میلر به خوبی می‌داند که در چه زمان درستی تغییرات باید انجام شود.

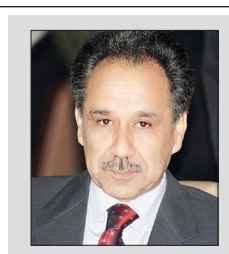

احمدولی مسعود گزینهٔ برتر

۶

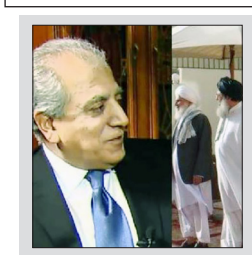

پُشت تلاش‌های خلیل‌زاد

۷

عزیزی بانک

برای بار نخست در افغانستان، خدمات «بکسک الکترونیکی» یا (AZI-PAY) را به همه شهروندان کشور فراهم کرده‌است. این بکسک الکترونیکی برای ارسال پول از یک حساب بانکی به حساب بانکی دیگر، ارسال پول از یک بکسک به بکسک دیگر، دریافت کردیت‌کارت به موبایل (اتصالات، امتی‌ان، سلام و روشن)، درخواست قرض از دوستان، پرداخت بل برق (بدون فیس – تنها در کابل) و بسیاری از امکانات دیگر استفاده می‌شود. شما می‌توانید اپلیکیشن «AZI-PAY» را از گوگل‌پلی و اپستور به گونهٔ رایگان دانلود (دریافت) و در مبایل تان نصب کنید.

www.azizibank.af 1515

عزیزی بانک
Azizi Bank

AZi pay

سخن ماندگار

صلحی که با خون شُسته می‌شود

حملهٔ دو روز پیش انتحاریانِ طالب (دوشنبه، ۳جدی) بر ساختمان معینیتِ شهدا و معلولین و وزارت فواید عامه که دست‌کم ٤٧ کشته و ٢٧ زخمی برجای گذاشته، میزان موفقیت و اصالت صلحی را که این روزها با عجلهٔ فراوان توسط ایالات متحده تعقیب می‌شود و کشورهای منطقه با آن هم‌داستان شده و حکومت افغانستان نیز نمی‌خواهد از قافلهٔ آن عقب بماند، آشکار می‌سازد.

بعدازظهر روز دوشنبه، چهار مهاجم انتحاری طالب درحالی بر این دو ادارهٔ دولتی حمله کردند که مطابق برنامهٔ صلحی که به ابتکار امریکا و همکاری پاکستان به جریان افتاده، مردم افغانستان انتظار «آتش‌بس» در جبهات نبرد را می‌کشیدند و ابداً انتظار نداشتند که طالبان همانند گذشته با حمله به ادارات دولتی در مرکز شهر، حمام خون به‌راه بیندازند و جانِ غیرنظامیان ـ شامل زنان و کودکان ـ را بگیرند.

گفته می‌شود که در این حمله، انتحاریانِ طالب با منفجر کردن دیوار میان معینیت شهدا و معلولین و وزارت فواید عامه، وارد ساختمان وزارت فواید عامه شده و همانند حملات دهشت‌افکنانهٔ گذشته‌شان، اتاق به اتاق به دنبال قربانی گشته‌اند. از آن‌جا که این حمله از ساعت سه‌ونیم بعدازظهر تا ساعت ۱۱ شب ادامه یافته، احتمال قوی می‌رود که تعداد کشته‌شده‌گان بیش از رقم اعلام‌شده توسط منابع رسمی باشد. تجربه ثابت کرده که حکومت به منظور کاستن از فشار افکار عمومی بر خود، آمار قربانیان حملات انتحاری و انفجاری و حتا قربانیان میدان‌های جنگ با طالبان را تقلیل می‌دهد. حملهٔ خونبار روز دوشنبه نیز که در فضای گفت‌وگوهای صلح صورت گرفته، از این قاعده مستثنا نیست.

اکنون با در نظرداشت حملهٔ بی‌محل روز دوشنبه و تصدیق رییس اجرایی حکومت مبنی بر این‌که طالبان طراح و مجری آن بوده‌اند، می‌توان پرسش‌های جدیدی از این دست را پیرامون بازی صلح وارد کرد: آیا در دیدار و گفت‌وگو میان نماینده‌گان طالبان و امریکا، «افغانستان» موضوع صلح نبوده و جغرافیای این کشور و یا ادارات حکومتی خارج از دایرهٔ صلح قرار گرفته است؟ آیا صلحی که برای آن ضرب‌الاجل تعیین شد و به پاکستان و عربستان و امارات نیز در آن سهم داده شد، با شکست و ناکامی مواجه شده و یا این‌که در این صلح به طالبان اجازه داده شده که ضعف‌های دیپلماتیک‌شان در میز صلح را در صحنهٔ جنگ جبران کنند؟ و یا هم این‌که خط حکومت موجود در بازی صلح از خط تعقیبی امریکا جدا شده و در تقابل با طالبان و امریکا قرار گرفته است؟

چند روز پیش، به دنبال انتصابات جدید و تقریباً انقلابی در وزارت‌های امنیتی، این تحلیل به میان آمد که ارگ ریاست‌جمهوری به تلافی تحقیری که در برنامهٔ صلح توسط طالبان شده، دو چهرهٔ ضدطالبانی را وارد عرصهٔ امنیتی ساخته و در آینده شمار دیگری را نیز به این قطار اضافه می‌کند تا به طالبان بفهماند که اگر آن‌ها با اکتفا به ملاقات با نمایندهٔ امریکا و نماینده‌گان سایر کشورهای دخیل، از گفت‌وگو با هیأت صلح حکومت سرباز می‌زنند؛ حکومت نیز می‌تواند تمام معادلهٔ صلح را برهم بریزد و از نو ترتیب کند.

این تحلیل چه درست باشد چه نادرست، یک مسأله واضح و آشکار است: صلحی که با آب‌وتاب فراوان توسط ایالات متحده کلید خورده، دچار ضعف‌ها و گسست‌ها و شکاف‌ها و خالیگاه‌های متعددی‌ست که حملاتی از نوع حملهٔ روز دوشنبه در بستر منطقی آن‌ها رخ می‌دهد و در این میانه، خون مردم افغانستان به‌راحتی در پای آن می‌ریزد. مسلماً تا زمانی که در رویکرد امریکا و پاکستان و حکومت افغانستان و سایر کشورهای دخیل نسبت به صلح تغییر و اصلاح لازم به میان نیاید، حملات خونبار از نوع حملهٔ روز دوشنبه همچنان تکرار و «صلح» بر اثر آن‌ها محو و شُسته خواهد شد!

آبروی بربادرفتهٔ کمیسیون‌های انتخاباتی

Courtesy Image - Social Media

برخی منابع می‌گویند که میان کمیسیون شکایات انتخاباتی و کمیسیون انتخابات بر سر اعلام نتایج تنش‌های جدی‌یی آغاز شده است. این تنش‌ها به گفتهٔ این منابع، از آن‌جا آغاز می‌شوند که اعضای این کمیسیون‌ها بر سر تقسیم پول‌هایی که از نامزدان گرفته‌اند، دچار اختلاف شده‌اند. به گفتهٔ منابع، کمیسیون شکایات از این ناراضی است که کمیسیون انتخابات کُل پول‌ها را به جیب زده بدون آن‌که سهمی برای کمیسیون شکایات در نظر گیرد. همین مسأله باعث بروز اختلافات و تنش‌ها میان این دو کمیسیون انتخاباتی شده است. حالا که کار به دست کمیسیون شکایات انتخاباتی افتاده، می‌خواهد همان بازی را بر سر نتایج انتخابات انجام دهد که پیش از این کمیسیون انتخابات آن را انجام داده بود

احمد عمران

وقتی کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گوید که در نتایج اولیه امکان تغییرات ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی وجود دارد، به چه معناست؟ آیا غیر از این است که کمیسیون شکایات انتخاباتی به صورت تلویحی تقلب‌های انتخاباتی را تأیید می‌کند؟ این‌که نتایج اولیه دستخوش تغییرات ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی شود، به معنای این است که هم در جریان انتخابات ۲۸ و ۲۹ میزان تقلب‌های سازمان‌یافته صورت گرفته و هم پس از برگزاری آن، در کمیسیون انتخابات تغییرات و تقلباتی اعمال شده است.

برخی منابع می‌گویند که میان کمیسیون شکایات انتخاباتی و کمیسیون انتخابات بر سر اعلام نتایج تنش‌های جدی‌یی آغاز شده است. این تنش‌ها به گفتهٔ این منابع، از آن‌جا آغاز می‌شوند که اعضای این کمیسیون‌ها بر سر تقسیم پول‌هایی که از نامزدان گرفته‌اند، دچار اختلاف شده‌اند. به گفتهٔ منابع، کمیسیون شکایات از این ناراضی است که کمیسیون انتخابات کُل پول‌ها را به جیب زده بدون آن‌که سهمی را برای کمیسیون شکایات در نظر گیرد. همین مسأله باعث بروز اختلافات و تنش‌ها میان این دو کمیسیون انتخاباتی شده است. حالا که کار به دست کمیسیون شکایات انتخاباتی افتاده، می‌خواهد همان بازی را بر سر نتایج انتخابات انجام دهد که پیش از این کمیسیون انتخابات آن را انجام داده بود.

حالا این‌که واقعاً وضع همین گونه است و یا بدتر از آن چیزی که توصیف می‌شود، به کسی چندان مشخص نیست؛ ولی در یک مورد باید کاملاً متیقن بود که تقلب و رشوت در بالاترین سطح خود در انتخابات امسال کارگر بوده است. این بار اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی چنان بی‌باکانه و در روز روشن دست به چور و چپاول زده‌اند که هیچ دزدی در تاریخ دزدی‌های جهان به چنین کاری مبادرت نورزیده است. گفته می‌شود که اعضای کمیسیون انتخابات میلیون‌ها دالر رشوه گرفته‌اند. این حرف شوخی نیست و نه هم یک شایعهٔ سرچوک، بل واقعیتی است که همه از آن خبر دارند.

دوستی می‌گفت که شاهد بوده یک تن از نامزدان انتخابات برای برنده شدن، سه‌صدهزار دالر به اعضا و کارمندان کمیسیون پول داده است. این خوردوبردها در زمان زمام‌داری کسی صورت می‌گیرد که دادوبیداد او در مورد مبارزه با فساد و اختلاس عالم را پُر کرده است. آقای غنی در حالی از مبارزه با فساد و رشوه سخن می‌گوید که از ارگ شروع تا تمام بدنهٔ حکومت و دولت، مصروف خورد و برد هستند. دوستِ دیگری که در یکی از ادارات ارگ کار می‌کند، به من می‌گوید هر سمتی را که بخواهی برایت در بدل پول گرفته می‌توانم، حتا اگر خواسته باشی وزیر یکی از وزارت‌خانه‌ها باشی!

این‌ها مشت نمونهٔ خروار از یک وضعیت عام اند که هر یک از ما به گونه‌یی با جُزییات آن آشنا هستیم. کی هست در این کشور که حداقل در یک ماه یک بار کار او به یکی از نهادهای دولتی بند نشود، آن‌گاه بشنوید که چه حرف‌هایی در مورد کارشکنی، رشوه‌ستانی و بی‌قانونی می‌تواند داشته باشد. اگر در حکومتِ پیشین ۵۰ درصد قانون‌شکنی و رشوه‌ستانی وجود داشت، در حکومتِ فعلی آن میزان به ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. در حال حاضر، ما با ناپاک‌ترین و قانون‌شکن‌ترین حکومت در تاریخ حکومت‌داری‌های جهان روبه‌رو هستیم. این را بدون اغراق و کمترین شایبه می‌توان گفت. اما فاجعه زمانی رخ می‌نماید که نهادهایی مثل کمیسیون‌های انتخاباتی نیز به چنین بیماری‌یی دچار باشند، آن‌گاه دیگر به هیچ چیز نمی‌توان اعتماد کرد. مثل برخی از فیلم‌های هندی که پولیس قاتل است و قهرمانِ فیلم در مخمصه می‌ماند که پیش چه کسی دادخواهی کند.

افغانستان واقعاً به صحنهٔ واقعیِ چنین فیلم‌هایی تبدیل شده است. این‌جا دزد و رهزن همان کسی است که می‌خواهد قانون را اجرا کند. وای به حالِ ما مردم که در ظلِ چنین حکومتی زنده‌گی می‌کنیم!

از سوی دیگر، ما می‌خواهیم با چنین کمیسیون‌های انتخاباتی، به سوی انتخابات ریاست جمهوری برویم، آیا این کار شدنی است؟... در شدنی بودنِ آن شکی وجود ندارد اما نتیجهٔ آن چیزی خواهد بود که دستگاه تقلب و مهندسیِ آرا آن را تعیین می‌کند. اگر همین کمیسیون‌های انتخاباتی باشند، بدون کمترین شبهه‌یی باید گفت که انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نه‌تنها که از انتخابات سال ۹۳ بدتر خواهد بود که عملاً به یک جنگ تمام‌عیار داخلی منتهی خواهد شد. این را از حالا با حرص و طمعی که در چشم کمیسیون‌های انتخاباتی می‌توان دید، پیش‌بینی کرده می‌توانیم.

جالب این‌جاست که کمیسیون‌های انتخاباتی بدون کمترین شرم و حیایی از افتضاح‌هایی که به وجود آورده اند، پرده برمی‌دارند. وقتی کمیسیون شکایات انتخاباتی به دلیل تقلب‌های گسترده آرای حوزهٔ کابل را باطل اعلام کرد، چرا چند روز پس از آن دو کمیسیون میان خود به توافق رسیدند و صحت آرای کابل دوباره تأیید شد؟ چه چیزی سبب شد که کمیسیون شکایات انتخاباتی تصمیمِ خود را ابطال کند؟

ابطال تصمیم کمیسیون شکایات به معنای آن است که یا این کمیسیون کار خود را درست انجام نداده بود و یا اتفاقِ دیگری افتاده است. هر چیزی که اتفاق افتاده باشد، ولی دیگر برای کمیسیون‌های انتخاباتی آبرویی باقی نمانده است. آن‌ها خود فریاد می‌زنند که نهادهای جانب‌دار و از همه بدتر «فاسد» هستند.

«فقط چهل درصد آرای کابل شمارش شده است»

معترضان:

کمیسیون انتخابات به اشارهٔ ارگ کار می‌کند

ناجیه نوری

یک منبع آگاه در کمیسیون انتخابات به روزنامه ماندگار می‌گوید که تنها ٤٠ درصد آرای کابل شمارش شده و سرنوشت بقیه آرا تا هنوز مشخص نیست.

این منبع که نمی‌خواهد نامی از او برده شود، می‌گوید که به حکم محمداشرف غنی، بیش از ٦٠ درصد آرای کابل تا هنوز شمارش نشده است.

همزمان با این، جریان‌های سیاسی و نامزدان انتخابات پارلمانی می‌گویند که کمیسیون انتخابات «مستقل نیست» و به «اشارهٔ ارگ» کار می‌کند.

محمدموسی فریور، نامزد انتخابات مجلس نماینده‌گان از ولایت کابل به روزنامهٔ ماندگار می‌گوید که تمامی نامزدان کابل «جداً» از اعلام نشدن نتایج ابتدایی آرای کابل نگران هستند و انتظار دارند که هرچه زودتر این نتایج اعلام شود.

آقای فریور می‌گوید که برگزاری انتخابات مجدد پارلمانی برای کابل و یا تمام ولایات ناممکن است. او می‌افزاید که نه حکومت توان مالی دارد و نه نهادهای کمک کننده حاضر به تمویل چنین انتخاباتی است.

این استاد دانشگاه بیان می‌دارد که اگر انتظار مردم و نامزدان کابل طولانی شود، اعتبار و حیثیت مدیران کمیسیون انتخابات صدمه دیده و وضعیت شان بدتر خواهد شد. او اضافه کرد: «انتخابات یک روند ملی است و گروگان‌گیری این روند ملی، مستقل بودن کمیسیون انتخابات را زیر پرسش برده و دخالت حکومت را بیش از پیش آشکار می‌سازد».

موسی فریور بیان می‌دارد که اگر نتایج کابل باطل اعلام شود، این اقدام محدود به کابل نخواهد ماند و خواست جریان‌های سیاسی که انتخابات مجلس نماینده‌گان از تمامی ولایت از نو برگزار شود، عملی خواهد شد.

به گفتهٔ آقای فریور: مسألهٔ مهم‌تر این‌که اگر انتخابات مجلس نماینده‌گان، شورای ولایتی، شورای ولسوالی و ریاست جموری در ۳۱ حمل برگزار شود، در این صورت همه می‌دانند که این کمیسیون توان برگزاری چهار انتخابات همزمان را ندارد، پس به تعویق افتادن انتخابات کابل، ناممکن است.

در همین حال، فضل‌الرحمان اوریا، سخنگوی ایتلاف بزرگ ملی افغانستان می‌گوید که کمیسیون انتخابات «مستقل نیست»، توسط ارگ ریاست جمهوری اداره می‌شود و فقط نامزدانی گوش به فرمان ارگ را برنده اعلام خواهد کرد.

آقای اوریا می‌افزاید که کمیسیون انتخابات در «تبانی با ارگ»، تلاش دارد نامزدانی را که مخالف برنامه‌های حکومت هستند، ناکام اعلام کند و در عوض، نامزدان مورد تایید خودشان را برنده اعلام کنند.

سخنگوی ایتلاف بزرگ ملی افغانستان، دلیل اعلام نشدن نتایج کابل را «ترس و هراس» حکومت و کمیسیون از اعتراضات مردم عنوان می‌کند و تأکید دارد که کمیسیون دنبال زمان مناسب برای اعلام نتایج کابل است.

او گفت: «کارکردهای کمیسیون که تاکنون انجام داده، مملو از تقلب و تخلف است و مورد تایید ما نیست، زمانی که نتایج ابتدایی انتخابات کابل اعلام شود، احزاب و ایتلاف‌های سیاسی تصمیم خود را اعلام خواهند کرد».

اوریا در خصوص این‌که اگر انتخابات کابل به دور دو برود و انتخابات ریاست‌جمهوری، شورای ولایتی و انتخابات کابل و غزنی هم‌زمان برگزار شود، آیا کمیسیون توان برگزاری چند انتخابات را همزمان خواهد داشت، گفت: برگزاری انتخاباتی با اعضای فعلی کمیسیون انتخابات امکان‌پذیر نیست.

او تأکید اضافه کرد: ما باید با کمیسیون آزاد، مستقل و با ظرفیت و یک کمیسیونی که مورد اعتماد مردم و جریان‌های سیاسی باشد، به طرف انتخابات آینده برویم.

بااین حال، مجتمع جامعهٔ مدنی افغانستان (مجما) نیز با پخش اعلامیه‌یی اعلام کرده اند که باطل ساختن آرای انتخابات کابل یا سایر ولایت‌ها «معقول» نیست، مگر این‌که شفافیت و عادلانه بودن انتخابات کابل قانوناً تأمین شده باشد.

در بخشی از اعلامیهٔ مجتمع جامعهٔ مدنی افغانستان آمده است: در صورت عدم امکان دستیابی به تفکیک آرا پاک و ناپاک، اعلام باطل آرای نتایج انتخاباتی به صورت قسمی یا کلی، یکی از گزینه‌های بد، اما ممکن در شرایط موجود است. رأی کمیسیون شکایات انتخاباتی در این مورد نهایی است.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که اخیراً برخی از کمیشنران کمیسیون انتخابات از احتمال به تعویق افتیدن انتخابات ریاست جمهوری خبر داده اند. از سوی هم، کمیسیون انتخابات با پخش خبرنامه‌یی گفته است که در این مورد در هفتهٔ آینده کنفرانسی را برگزار می‌کنند و با اقشار مختلف جامعه رأی‌زنی انجام می‌دهند.

در عین حال، دو روز پیش، میرزا محمد حق‌پرست، معاون سخنگوی کمیسیون انتخابات به روزنامهٔ ماندگار گفته بود که بیش از ۵۰ درصد آرای کابل شمارش شده و تلاش‌ها جریان دارد تا این کار نهایی و هرچه زوتر فهرست ابتدایی حوزهٔ انتخاباتی کابل اعلام شود.

گفتنی است که بربنیاد جدول زمان‌بندی اعلام شده از سوی کمیسیون انتخابات، اول جدی سال روان، روند نام‌نویسی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری آغاز شده و گفته شده بود که تا ١٤ روز ادامه خواهد یافت.

براساس جدول زمان‌بندی کمیسیون انتخابات، فهرست ابتدایی نامزدان در ۱۸ جدی و فهرست نهایی پس از رسیده‌گی به شکایات به تاریخ ۵ حوت منتشر خواهد شد.

آگاهان با اشاره به ادغام نهادهای دولتی:

غنی ساختارها را فدای اهداف سیاسی خود می‌کند

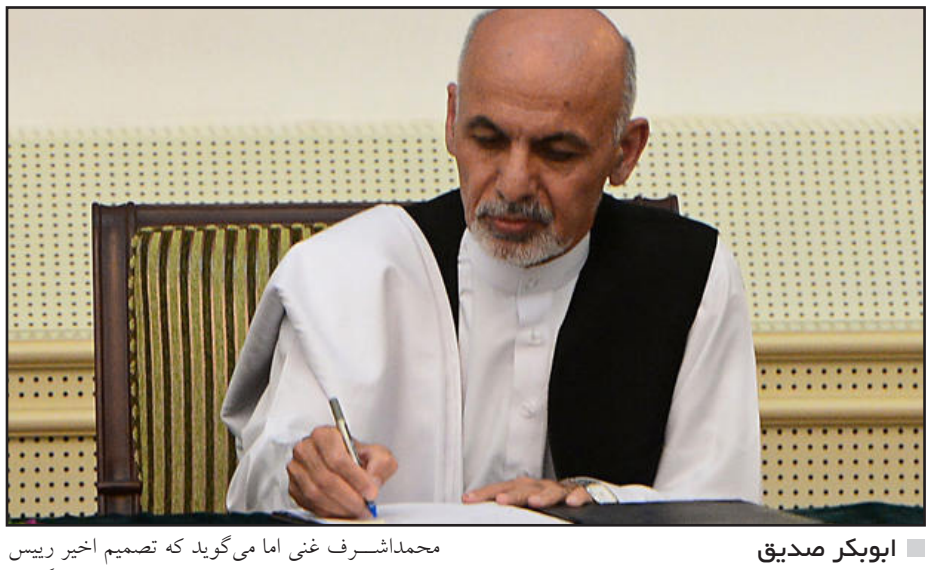

ابوبکر صدیق

برخی از آگاهان حقوقی با اشاره به تصمیم ادغام برخی نهادهای دولتی می‌گویند که غنی با این کار اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کند.

آنان می‌گویند که اگر رییس حکومت وحدت ملی باورمند به سرعت کار و اصلاحات است، در ابتدای کار حکومت خود این کار را باید انجام می‌داد.

این در حالی است که محمداشرف غنی، روز دو شنبه دوم جدی در فرمانی ادغام وزارت ترانسپورت، ادارهٔ هوانوردی ملکی، ادارهٔ خط آهن و ریاست ترافیک وزارت امور داخله با وزارت فواید عامه وزات ترانسپورت ایجاد کند.

شاکر حیات، آگاه مسایل حقوقی و استاد دانشگاه، در گفت‌وگو با روزنامهٔ ماندگار می‌گوید: «طبق مادهٔ ٦٤ قانون اساسی رییس‌جمهور می‌تواند که اداره‌ها و کمیسیون‌های دولتی را ایجاد و ادغام کند».

این آگاه مسایل حقوقی با اشاره به تصمیم اخیر محمداشرف غنی اما می‌گوید که تصمیم اخیر رییس حکومت وحدت ملی، به جای اصلاحات بیشتر نگرش سیاسی را در پی‌دارد.

آقای حیات می‌افزاید: ادغام نهادهای دولتی از صلاحیت رییس‌جمهور است، اما نگرش غنی در این مورد بیشتر تمرکزگرایانه است.

این استاد دانشگاه می‌گوید که تلاش رییس حکومت وحدت ملی برای ادغام نهادهای دولتی، رویکرد سیاسی را در پی دارد.

به گفتهٔ او، نظام متمرکز افغانستان دارای چالش‌های فراوانی است، رییس حکومت با تمام قدرت در تلاش تمرکز هر بیشتر قوت‌ها در محور ارگ است.

او گفت: ادغام نهادهای موازی، می‌تواند که برای سرعت کار مفید تمام گردد، اما اگر محمداشرف غنی باورمند به این مورد می‌بود، باید این کار را سال‌های پیش انجام می‌داد.

به باور این استاد دانشگاه، ادغام نهادهای دولتی در اخیر دورهٔ کاری رییس حکومت وحدت ملی هدف سیاسی در پی دارد.

آقای حیات می‌گوید که در نظام متمرکز عرضهٔ خدمات برای شهروندان درست صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل است که این نظام‌ها ناکام قلم داده شده است.

براساس فرمان تازهٔ رییس حکومت وحدت ملی، وزارت ترانسپورت، اداره هوانوردی ملکی، اداره خط آهن، ریاست ترافیک و وزارت فواید عامه با هم مدغم می‌شود.

در فرمانی که از نشانی ارگ به رسانه‌ها فرستاده شده است، آمده که واحد اداری مرکزی جدیدی تحت عنوان «وزارت ترانسپورت» با ادغام وزارت ترانسپورت، اداره هوانوردی ملکی، اداره خط آهن و ریاست ترافیک وزارت امور داخله با وزارت فواید عامه ایجاد می‌شود.

هدف از ایجاد این واحد اداری جدید تحقق به‌موقع و موثر اهداف و اولویت‌های دولت در راستای تأمین حکومت‌داری خوب، نهادینه‌سازی اصلاح ادارهٔ عامه، تسریع روند سرمایه‌گذاری استراتژیک در عرصهٔ زیربناهای کشور و رفع تداخل وظیفه‌یی میان نهادهای یادشده و صرفه‌جویی در مصارف گفته شده است.

به اساس این فرمان تمام اسناد تقنینی این نهادها نیز با هم مدغم می‌شود و برای پیش‌برد و تکمیل روند ادغام این نهادها، یک کمیتهٔ نظارتی تحت ریاست سرور دانش، معاون دوم غنی، ایجاد می‌شود تا بر کلیه مراحل ادغام نظارت کند.

در فرمان غنی همچنان آمده است که یک کمیته تخنیکی تحت ریاست وزارت فواید عامه، کارهای تهیه و ترتیب طرح ادغام این نهادها از لحاظ تشکیلات و بودجه را در مشوره با کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی و وزارت مالیه تهیه و باید تا شش ماه دیگر پیشنهاد خود را به ریاست‌جمهوری ارایه کند. همچنان، محمداشرف غنی حدود بیست روز پیش در فرمانی ادارهٔ اراضی را با وزارت شهرسازی ادغام کرد.

این در حالی است که با ایجاد حکومت وحدت ملی، محمداشرف غنی بیش از ١٦ شورای تصمیم‌گیری را در پهلوی وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دولتی در ارگ ایجاد کرده است. ادعاهای وجود دارد که این نهادهای به صورت موازی در کنار وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دولتی به علت قبضه کردن قدرت بیشتر در ارگ ایجاد گردیده‌اند.

خلیل‌زاد به هند می‌رود

ماندگار: زلمی خلیل‌زاد، نمایندهٔ ویژهٔ واشنگتن در امور صلح افغانستان، در آغاز ماه جنوری به هند سفر می‌کند.

مشاور وزارت خارجهٔ امریکا در امور صلح افغانستان، در این سفر روی تلاش‌های اخیر در رابطه به گفت‌وگوهای صلح با طالبان با دولت هند مذاکره خواهند کرد.

این سفر پس از آن صورت می‌گیرد که دونالد ترامپ تصمیم گرفت تا نیروهای امریکایی را در افغانستان به نصف کاهش دهد.

اخیراً زلمی خلیل‌زاد دو مرتبه با کشورهای منطقه به‌ویژه پاکستان در مورد گفت‌وگو با گروه طالبان دیدار کرده است، اما این دیدارها شامل هند نمی‌شد.

نشریهٔ اکونومیست در گزارشی نوشته است، این مقام بلند پایه حکومت امریکا تصمیم گرفته است که با مقامات دهلی نو درگفت‌وگوی «Raisina Dialogue» که در ۸ – ۱۰ جنوری در آن کشور برگزار می‌گردد، اشتراک کند و با مقامات هندی در رابطه به همکاری‌های منطقه‌یی صلح صحبت کند.

خلیل‌زاد یکی از طرف‌داران نقش هند در افغانستان است؛ اما دور زدن دهلی در دو دیدار منطقه‌یی‌اش تعجب‌آور است.

در ماه جاری گفت‌وگو سه‌جانبهٔ چین، پاکستان و افغانستان برای تسریع گفت‌وگوهای صلح در کابل برگزار گردید.

در عین حال، هند در رابطه و گفت‌وگوهای صلح و فعالیت شبکهٔ داعش و اوضاع افغانستان با مقامات روسی گفت‌وگو کرده است.

این در حالی است که تاهنوز دهلی نو در مورد خروج نیروهای امریکایی از افغانستان موضع مشخصی نگرفته است و منتظر روشن شدن حضور و خروج نظامیان ایالات متحد از این کشور است.

این در حالی است که دونالد ترامپ اخیر تصمیم گرفته است که ١٤ هزار نظامی این را در افغانستان به نصف کاهش دهد.

رکود اقتصادی افغانستان و تبعیض در سیاست‌های اقتصادی حکومت

میرویس پارسا- دانشجوی دکترای اقتصاد در دانشگاه آسیای جنوبی، دهلی جدید

از بدو ایجاد حکومت وحدت ملی تا اکنون، دستگاه پالیسی‌ساز اقتصادی دولت در انحصار مشاوریت اقتصادی رییس‌جمهور، بیشترِ ظرفیت‌ها و انرژی‌اش را بر توسعهٔ بخشِ تجارت و ترانزیت (گشایش راه‌های زمینی، دهلیزهای هوایی، الحاق افغانستان به سازمان تجارت جهانی، ایجاد مناطق ویژهٔ اقتصادی، تصویب قانون تجارت، پروژه‌های کاسا-۱۰۰۰ و تاپی) متمرکز نموده است. به سخن دیگر، دیده می‌شود که خط‌مشی اقتصادیِ حکومت فعلی حداقل در عمل، آگاهانه و یا غیرعمدی بر پایهٔ دکترین «رشد نامتوازن (Unbalanced Growth)» با جریان دادن مقدارِ زیادی از سرمایه‌گذاری‌های بخش عامه در سکتورهای تجارت و ترانزیت استوار است. نظریهٔ رشد نامتوازن، برای اولین‌بار توسط آلبرت هرشمن در اواخر دههٔ ۱۹۵۰ وارد ادبیاتِ اقتصادِ توسعه شد. بر اساس این نظریه، چونَ کشورهای کمتر توسعه‌یافته به کمبود منابع دچار هستند، به جای پراکنده ساختن سرمایه در تمامی بخش‌ها به‌طور هم‌زمان، بهتر است منابع دست‌داشتهٔ‌شان را در سکتورهای مشخص و استراتژیکی که دارای پیوندهای پیشین و پسین بیشتر (Forward and Backward Linkages) هستند، سرمایه‌گذاری کنند. در این نوشتار کوشش می‌شود به این پرسش‌ها که «آیا متمرکز ساختن ظرفیت‌های اقتصادی در سکتور تجاری افغانستان می‌تواند به نیازهای اولیهٔ اقتصاد کشور (کاهش بیکاری، فقر و تراز منفی تجاری) چاره باشند؟ اگر نه، پس راهکار مناسب چه خواهد بود؟»، پاسخ ارایه شود.

افغانستان از چند سال اخیر بدین‌سو در رکود اقتصادی قرار دارد. بر اساس داده‌های ادارهٔ احصاییهٔ مرکزی در سال ۲۰۱۶-۱۷ نرخ بیکاری در کشور ۲۴ درصد، نرخ فقر ۵۴,۵ درصد و کسر تجاری افغانستان در سال ۲۰۱۷-۱۸، -۴۳,۲ درصدِ تولید ناخالص داخلی بوده است. در ضمن فقر و بیکاری، نابرابری هم به گونهٔ سرسام‌آور افزایش یافته است. نسبت پالما (Palma Ratio) که بر اساس داده‌های سروی خانوار، سال ۲۰۱۶-۱۷، ۲,۳۴ محاسبه شده، نشان می‌دهد که ۱۰ درصد بالایی جمعیت کشور بیشتر از دو برابرِ ۴۰ درصد پایینی جمعیت، درآمد کسب می‌کنند. همین‌گونه، سایر شاخص‌های اقتصادی همچنان تصویر منفی و نگران‌کننده‌یی از وضعیت اقتصاد کشور ارایه می‌دهند. در چنین شرایطی، دیده می‌شود که در عمل تمرکز برنامه‌های اقتصادی حکومت، بیشتر معطوف به سکتور تجارت و ترانزیت است. معنی دیگرِ این جهت‌گیری پالیسیِ اقتصادی این است که حکومت تلاش دارد مشکلات بنیادی اقتصاد افغانستان را از راه رشد صادرات فرآورده‌های زراعتی این کشور که بهای ناچیزی در بازارهای بین‌المللی دارند، حل نماید. بدون شک همگرایی منطقه‌یی و سهل ساختن تجارت فرامرزی دور از مزایا نیستند؛ ولی ترکیب کالاهای صادراتی و در کُل قدرت صادراتی افغانستان به اندازه‌یی نیست که بتواند برای اقتصاد کشور ارزشِ اضافی خلق کند و یا از مشکلات اساسی آن، چیزی بکاهد.

از لحاظ نظری، تمام استراتیژی‌های توسعه‌یی افغانستان در بیش از یک‌ونیم دههٔ گذشته (چهارچوب توسعهٔ ملی (NDF)، راهبرد توسعهٔ ملی افغانستان (ANDS) ، چهارچوب خودکفایی اقتصادی از طریق حساب‌دهی متقابل (SMAF)، چهارچوب صلح و توسعهٔ ملی افغانستان (ANPDF)، یگانه راهِ رسیدن افغانستان به رشد و خودکفایی اقتصادی را حمایت از سکتور خصوصی و همگرایی منطقه‌یی مطرح کرده‌اند. در هیچ یک از این راهبردها، یک راهکار بدیل با نتایج کوتاه‌مدت برای کارآفرینی و فقرزدایی تعریف نشده است. حکومت همواره دغدغه‌های تبدیل نمودن افغانستان به چهارراه ترانزیتی منطقه و حمایت و رشد سکتور خصوصی کشور را سر داده، غافل از این‌که عدم رشد سکتور خصوصی بیشتر ناشی از ناامنی است که دولت خود روی آن کنترولِ کافی ندارد و وصل شدن افغانستان به بازارهای منطقه هم در شرایطی که این کشور چیز چشمگیری به صادر کردن ندارد، نمی‌تواند به آن حدی که حکومت بزرگنمایی می‌کند، به مشکلات اقتصادی افغانستان رسیده‌گی نماید.

رُشد اندک صادرات افغانستان و دستاوردهای نه‌چندان در عرصهٔ ایجاد راه‌های ترانزیتی در دو سال اخیر، تا حد زیادی به قیمت فراموشی بخش تولیدی (Manufacturing Sector) اقتصاد کشور به‌دست آمده‌اند. بر اساس داده‌های ادارهٔ احصاییهٔ مرکزی افغانستان، در سال ۲۰۱۷-۱۸، سهم بخش تولیدی در تولید ناخالص داخلی افغانستان، فقط ۹,۶۹ درصد (به قیمت ثابت) و سهم این سکتور در کارآفرینی ۶,۵ درصد بوده است. این بخش در دو سال اخیر نه تنها رشدی کمتر از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی داشته، بلکه رشد منفی را تجربه کرده است. بدون شک، بخشی از این ناکامی برمی‌گردد به اوضاع نابسامان داخلی افغانستان؛ ولی تأمل اندکی در ماهیت و جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی حکومت نشان می‌دهد که پالیسی اقتصادی دولت هم تا حد زیادی منجر به عملکرد ضعیف سکتور تولیدی کشور شده است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، حداقل در مراحل ابتدایی توسعه، بخش تولیدی به عنوان موتور رشد اقتصادی در مرکزیت پالیسی‌های اقتصادی حکومت‌ها بوده و در نتیجه این سکتور سهم چشمگیری در ایجاد ارزش اضافی، اشتغال و رشد صادرات در این کشورها داشته است. برخی از کشورهای دیگر مانند هندوستان که مسیر توسعهٔ غیرمتعارف، متمرکز بر خدمات، زراعت و تجارت را تجربه کرده اند، با محدودیت‌های جدی در زمینهٔ اشتغال‌زایی و فقرزدایی مواجه شده‌اند.

سیاست‌های اقتصادیِ افغانستان هم در چند سال اخیر، خصوصاً در طول عمر حکومت وحدت ملی متمرکز بر سکتورهای خدمات و تجارت و تا اندازه‌یی بر زیرساخت‌های زراعتی بوده و سکتور تولیدی کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل با آن‌که بر اساس داده‌های بانک جهانی، اقتصاد افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۷ به‌طور میانگین رشد سالانهٔ ۷,۰۹ درصدی را تجربه کرده است ولی، نرخ بیکاری، فقر و نابرابری در کشور مرتباً افزایش داشته است. از سوی دیگر، کاهش روزافزون ارزش افغانی و نوسانات تورمی در اقتصاد افغانستان همچنان ربط تنگاتنگی با ضعف تولیداتِ داخلی کشور دارند. تولیدات داخلی همواره نقش پشتوانهٔ ارزشِ پولی را در یک کشور ایفا می‌کنند و خصوصاً در کشورهای وابسته به واردات مثل افغانستان، کاهش ارزش پولی به‌طور مستقیم به معنی افزایش قیمت کالاها و رشد کسر بیلانس تجاری است. در کُل، در کنار ناامنی و مشکلات ساختاری در افغانستان، پالیسی‌هایِ اقتصادی حکومت هم برای حل بحرانِ فقر و بیکاری در کشور ناکام بوده است. چشم به راه نشستن حکومت به سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، اولویت‌بندی‌ها و تبعیض سکتوری نامناسب، قرار دادن تولیدات داخلی در معرض رقابت کالاهای وارداتی و آزادی بلامانع ورود کالاهای تجملی و غیرضروری که همه به نوعی پیروی از دکترین وفاق واشنگتن (Washington Consensus) هستند، در کنار نقطه‌ضعف‌های نهادی، از دلایل مهم ناکامی سیاست‌های اقتصادی دولت بوده‌اند. پس راهکار بهتر برای مواجهه شدن با مشکل بیکاری، فقر و کاهش ارزش پولی در افغانستان چه است؟

افزایشِ اندک در حجم صادرات و دستاوردها در بخشِ تجارت و ترانزیت در چند سال گذشته در افغانستان به قیمت فراموشی سکتور تولیدی اقتصاد کشور به‌دست آمده است. در دنیای مُدرن هیچ کشوری را نمی‌توان سراغ داد که با تخصصی شدن صادرات مواد اولیهٔ زراعتی، به رشد و خودکفایی اقتصادی رسیده باشد. بیشترِ کشورهای توسعه‌یافتهٔ امروزی از مرحلهٔ آغازینِ سیرِ توسعهٔ‌شان تا اکنون، رشد تولیدات و صنایع داخلی را در محوریت پالیسی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصادی‌شان قرار داده اند. پیش‌نیازهای رونق اقتصادی در یک کشور منوط به گسترش بخش تولیدی و صنعتی است و هیچ مُدل رشد اقتصادی نمی‌تواند بدون متمرکز شدن بر این بخش به مشکل بیکاری فزاینده، فقر، کسری تجاری و ضعف رقابتی مقابله کند. در شرایط کنونی افغانستان که سکتور خصوصی ضعیف است و انگیزهٔ کافی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی وجود ندارد، دولت مسوول است که به‌جای تلاش بر تخصصی شدن در صادرات مواد اولیهٔ زراعتی، به رشد سکتور تولیدی کشور توجه نماید. پیروی حکومت افغانستان از دکترین وفاق واشنگتن و در نتیجه حداقل ساختن دخالتش در فعالیت‌های تولیدی و زمینه‌سازی برای توسعهٔ صنعت و یا تطبیق سیاست‌های حمایتی به نفع بخش‌هایی که بازدهی کافی و درازمدت ندارند، باعث تشدید بیشترِ بحران بشری و به هدر رفتن منابع در افغانستان خواهد شد.

توسعهٔ بخش تولیدی اقتصاد کشور، بهترین راهکار برای مقابله با افت اقتصادی و ارایهٔ رشد فراگیر در جامعه است. جریان دادن بخشی از سرمایه‌گذاری های عامه در بخش تولیدی به‌ساده‌گی می‌تواند منجر به فعال شدن وابسته‌گی‌های پیشین و پسین (forward and backward linkages) و تحریک سایر بخش‌های اقتصاد شوند. سرمایه‌گذاری مستقیم ولو اندک در این بخش به‌طور غیرمستقیم منجر به سرمایه‌گذاری و افزایش تقاضای مؤثر به تولیدات زراعتی شده و در نتیجه بازارهای داخلی را برای فرآورده‌های زراعتی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، با رشد سکتور تولیدی نه‌تنها باشنده‌گان شهرها به مواد مصرفی ارزان‌تر دست می‌یابند بلکه با انتقال نیروی کار اضافی از بخش زراعت و مناطق روستایی در بخش تولیدی و شهرها، بهره‌وری زراعت و در نتیجه سطح زنده‌گی روستانشینان نیز بهبود می‌یابد.

در نتیجه‌گیری باید تأکید کرد که افغانستان با ۲۴ درصد نرخ بیکاری و ورود سالانهٔ بیش از ۴۰۰۰۰۰ تن در بازار کارش، نیاز به توجه جدی به رشد سکتور تولیدی دارد. در کوتاه‌مدت نیاز است که بخش قابل ملاحظه‌یی از ظرفیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بخش عامه به ساخت واحدهای تولیدی کارگربر (labour intensive) اختصاص یابد و در درازمدت، راهکار صنعتی‌سازی جایگزین واردات، ایجاد بازارهای داخلی به فرآورده‌های زراعتی و تخصصی شدن در صادرات کالاهای پروسس شده و تولیدی در محور پالیسی‌های اقتصادی دولت قرار گیرند. ارسال تولیدات اولیهٔ زراعتی افغانستان به بازارهای کشورهای دیگر با تحملِ هزینه‌های بی‌شمارِ محموله‌های هوایی که فعلاً در دستور کار حکومت قرار دارد، نمی‌تواند دردهای اقتصاد کشور را درمان کند.

این‌جا چند راهکارِ عملی برای سروسامان دادنِ سکتور تولیدی اقتصاد افغانستان ارایه می‌کنم:

۱. دولت افغانستان ناچار است که با اتخاذ سیاست‌های ریاضت اقتصادی، سالانه یک بخش عمده از سرمایه‌گذاری‌های بخش عامه را از طریق بودجهٔ ملی به رشد سکتور تولیدی اختصاص دهد.

۲. در شرایط کنونی به‌جاست که دولت با پرداخت یارانه (Subsidy)، سرمایه‌گذاری خصوصی را در بخش‌های تولیدی تشویق کند، کاری را که همین حالا در بخش تجارت با تمویل هزینهٔ محموله‌های هوایی انجام می‌دهد.

۳. دولت باید به‌جای سپردن مالکیت تصدی‌های نیمه‌جانِ دولتی به سکتور خصوصی که خود ضَعیف و لنگان هستند، در پی جلب کمک‌های تکنیکی و مالی کشورهای کمک‌کننده برای فعال‌سازی دوباره و افزایش ظرفیت تولیدی آن‌ها باشد.

۴. دولت افغانستان می‌تواند از سازمان‌های منطقه‌یی، بین‌المللی و کشورهای مختلف، مشخصاً برای ایجاد بنگاه‌های کارگربر (Labour Intensive firms) به منظور کاهش بیکاری و فقر، درخواست قرضه نماید. قابل یاددهانی است که در دورهٔ صدارت داوود خان، هزینهٔ بیشتر تصدی‌هایی که در آن زمان ایجاد شدند، از همین مجرا تأمین می‌شدند و بازپرداخت قرضه‌ها هم از صادر نمودن تولیدات فابریکه‌های تمویل شده صورت می‌گرفت.

۵. وضع محدودیت‌های تعرفه‌یی و غیرتعرفه‌یی به منظور کاهش واردات کالاهای تجملی و حمایت تولیدات داخلی، از نیازهای جدی و آنی افغانستان است.

۶. مهم‌تر از همه این‌که دولت در الحاق افغانستان به سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی که ممکن برای سیاست‌های مورد نیاز اقتصاد کشور محدودیت‌هایی وضع کنند، باید بسیار محتاطانه و سنجیده‌شده عمل نماید.

محمدصابر صبوریار/بخش دوم و پایانی

نگاهی به مقاومت و پایداری در اشعار عاصی

عاصی به تاریخ، فرهنگ و اسطورهٔ گذشتهٔ خود فخر می‌کرد و آن را مدیونِ سرزمینِ خود می‌دانست. وطنِ خود را بهَ «بهشتَ هفتم» مانند می‌کرد و تَذکر می‌داد که مثل رستم و آرش که قهرمانانِ این سرزمین بودند، هنوز هم کسانی در این سَرزمین وجود دارند که در مقابل ظلم و استبداد خاموشی اختیار نکنند.

خیال من یقین من جناب کفر و دین من
بهشت هفتمین من دیار نازنین من
به خانه خانه رستمی به خانه خانه آرشی
برای روز امتحان دلاوری کمان‌کشی
چه سرفراز ملتی چه سربلند مردمی
که خاک راه‌شان بود شرافت جبین من
(عاصی،۱۳۸۸: ص ۲۲۹)

عاصی بعضی اوقات با تمام وجود سوگوار می‌شود؛ آن زمانی که مردمش را خوار می‌بیند و انسان‌هایی را می‌بیند که به ناحق کشته می‌شوند، زنانی را می‌بیند که بیرحمانه بیوه و بیچاره می‌شوند، نوجوانانی را می‌بیند که پدران‌شان را غرقه به خون می‌بینند...، با آن‌هم عاصی به بهتر شدنِ آیندهٔ مردمش باورمند است:

مگو که باغ کجا رفت و آشیانه چه شد
مگو ترانه‌سرایان چه شد ترانه چه شد
مگو که مردم عاشق چرا سفر کردند
مگو که زمزمه‌های تر شبانه چه شد

مپرس از سخن کوچ کوچ شام سفر
مگو عروس شفق‌های این کرانه چه شد
بیا به بال زدن‌های زاغ‌ها بنگر
مگو پرندهٔ رنگین رودخانه چه شد

مگو چه رفت به اندام این ولایت سوگ
مگو که لطف هوای بهار خانه چه شد
فقط به سوگ شهیدان این دیار بموی
مگو که باغ کجا رفت و آشیانه چه شد
(عاصی،۱۳۸۸: ۸۰)

یکی دیگر از عرصه‌هایی که احساساتِ میهن‌دوستی شاعران در آن نمود پیدا می‌کند وَ مایهٔ ظهور ادبیات مقاومت و پایداری می‌شود، زمانی است که اقوام دیگر به سرزمین آن‌ها حمله‌ور می‌شوند و وطن را در معرض تاخت‌وتاز و استعمار و استثمار قرار می‌دهند. گاهی این احساسات به شکل افراطی آن یعنی به صورت برتری ملتِ خود و پستیِ ملت مهاجم بروز می‌یابد، بهَخصوص زمانَی که ملت مهاجم سعی در تخریب فرهنگ بومی وطنی داشته باشد.

یکی داستان نو آورده‌ام
یکی زنده‌گی نظم در کرده‌ام
در این قصه کز روزگاران پیش
سخن می‌رود گفتنی‌هاست بیش
به ایجاز گفتار خواهم نمود
به رمز از دلم عقده خواهم گشود
فسانه‌ست لیک از جگرسوز بیش
همه لطف و الهام امروز بیش

عاصی، در ادامه با یادآوری حملات اسکندر و مبارزهٔ پهلوانان مرز و بوم آریانا در مقابل آن‌ها، مردم زمانِ خود را بهَ الگو گرفتن از گذشته‌گان دعوتَ می‌کند.

سخن بر سر جنگ اسکندر است
که روم از شکستن شکسته سرست
که اقبال او چون کمی پا گرفت
ز ساسان ره آریانا گرفت
اگرچه که مادر بدو گفته بود
که با این وطن کین نباید نمود
چه، این خاک را مادرانی دگر
پسر زاده اند از پدر در پدر
از اینجا به شمشیر نتوان گذشت
از اینجا توان نیست آسان گذشت
خلاصه که هنگام آن شد پدید
که باید دمار از ستمگر کشید
همی بانگ تاریخ آمد به گوش
ز آبا و اجداد در یک خروش
همی باستان کوفت کوس نبرد
همی رستم از زابلان نعره کرد
که ای آرین زاده‌گان سرکشید
لوای رهایی به سر بر کنید
(عاصی،۱۳۸۸ :۲۰۳ –۲۰۶)

شاعر دریافته است که با دخالت دیگران نمی‌توان آزادانه زنده‌گی کرد. او واقعیت سازمان ملل و همکاران‌شان را درک نموده و این سازمان را بخش جاسوسیِ امریکا می‌گوید. در نزد عاصی استعمار، اَستعمار است؛ چه از طرف امریکا باشد و چه از طرف روسیه؛ بنابراین با تندترین لحن به ستیز با مستعمران و مستکبران بزرگ تاریخ بشر می‌پردازد و با پتک‌های محکم زبانی، وجدان ظالمانهٔ‌شان را هدف قرار می‌دهد:

سازمان ملل کنون ای خلق
همچو تمساح اشک می‌بارد
جای اسلام و جای آزادی
شاه خاین ز راه می‌آرد
ای! امروزه سازمان ملل
بخش جاسوسی ای ز امریکاست
و نماینده‌گان ابلیس
بدتر از روس خصم جان شماست
این همان سازمان مزدور است
کو بچرخد به نام ظالم‌ها
که برقصد به طبل جباران
که پیچید به کام ظالم‌ها
سازمانی که جهل مزدورش
آسیا را به خاک بنشانده
زان سوی آب‌های شور کثیف
ملک ما را به خاک بنشانده
سازمانی که لعنت ویتو
لکه ننگ جاودانی اوست
او چه خواهد کند به کس مردم!
که خود از خاصیت تهی و دوروست
(عاصی،۱۳۸۸: ۲۳۰–۲۳۹)

نتیجه‌گیری

بارزترین و پُررنگ‌ترین مضمون در اشعار عاصی، مضامین سیاسی- اجتماعی و مقاومت است و بعد مضامین غنایی؛ ولی با این ویژه‌گی که محتوای تمام مضامین شعرِ او را عشق و پرداخت‌های عاشقانه تشکیل می‌دَهد؛ زیرا او به عنوان یک شاعر آزادی‌خواه مسألهٔ استعمار و استثمار را درک نموده بود و به منظور رهایی از این بند تا پایان عمرش صدای رسایِ خود را بلند کرد.

اشعار عاصیَ پُر از درد و غم و اندوه است؛ چون او در محیطی پرورش یافته که مملو از مصیبت، بدبختی و نفرت بوده؛ از همین جهت وی بیشتر به مسایل آزادی، وطن‌دوستی و پایداری پرداخته است. عاصی درد خود را چنین بیان نموده:

درد
درد من خاموشی‌ست
درد من تنهایی‌ست
درد ویران شدن دهکدهٔ خوب من است
درد آواره‌گیِ بته‌کن است

عاصی عاشق است، او نسبت به مردمش، میهنش و زبانش عشق می‌ورزد؛ در یک نگاه گفته می‌توانیم که او فریاد یک ملتِ بزرگ است آن‌جا که خودش می‌گوید:

این ملت من است که دستانِ خویش را
بر گرد آفتاب کمربند کرده اَست
و این مشت‌های اوست که می‌کوبد از یقین
دروازه‌های بستهٔ قرن را
(عاصی،۱۳۸۸: ٦)

عاصی، شاعری آزادی‌خواه و وطن‌دوست است که همواره تلاش ورزیده از مهره‌های خیانتکار به وطن و مردمش نام ببرد. او سازمان ملل متحد و کشورهای توسعه‌طلب را نکوهش نموده و با همتِ بلندی که داشته برای مردمش چنین سرَوده است:

... من ترا از سر هر آغیلی
که از آن بوی جدایی آید
روی در روی تمام دنیا
خاصه آنانی که
به اجلاس ملل
حق «ویتو» دارند
نه چو نامه
نه چو برگ
که چو مشت
که چو خمپاره
چو فریاد به درد آمده
می‌آویزم ...
(عاصی،۱۳۸۸: ۱۷۸)

شاعران و نویسنده‌گانی بوده و هستند که واقعیت را می‌دانند اما سخنِ حق را نسبت به اوضاع حاکم سیاسی و یاَ هم ترسی که از نظام‌های مستبَد دارند اختیار نمی‌کنند؛ اما عاصی مانند استاد خلیلی و ملک‌الشعرا بهار هرگز خاموشی اختیار نکرده است.

منابع و مآخذ

۱- انوشه، محمدحسن و حفیظ، شریعتی سحر، --.(۱۳۹٤). تبلور آزادی در اندیشهٔ عاصی، مجلهٔ خراسان، شمارهٔ ۱۲۲-۱۲۳، کابل اکادمی علوم
۲- باختری، واصف (۱۳۷۹). در غیاب تاریخ، به اهتمام ناصر هوتکی، پشاور: پرنیان
۳- عاصی، عبدالقهار (۱۳۸۸). کلیات اشعار قهار عاصی، به کوشش نیلاب رحیمی، کابل: خیام
٤- قویم، عبدالقیوم (۱۳۸۷). مروری بر ادبیات معاصر دری از ۱۲۵۹-۱۳۸۰، کابل: سعید

انتخابات ـ دیدگاه مردم

احمدولی مسعود گزینهٔ برتر

شاکر حیات–استاد دانشگاه

حوزهٔ جهاد و مقاومت همیشه تأکید بر وحدت نظر در امر کاندیداتوری یک شخص از این آدرس داشته اند؛ اکنون که احمدولی مسعود در میدان رقابت‌های انتخاباتی حضور یافته بهتر می‌دانم که دیگران ایشان را در امر انتخابات حمایت کنند و آقای مسعود می‌تواند آنچه که از دست مجاهدین رفته را دوباره تصاحب کند. رهبران حوزهٔ جهاد و مقاومت بیشتر از ناحیهٔ مشروعیت و محبوبیت مردمی صدمه دیده‌اند و هیچ‌گاهی نتوانستند که حکومت را وسیله قرار داده برای مردم خدمت کنند. به نظر من احمدولی مسعود می‌تواند نسبت به هر شخص دیگری در موارد ذکر شده به دلایل ذیل بهتر بدرخشد.

۱.در عرصه مشروعیت:
هر حکومتی به‌خاطر بقا و رضایت مردمی نیاز به مشروعیت دارد، مشروعیتی که باید از مردم اتخاذ گردد. با توجه به شخصیت علمی و گذشته پاک و روابط خونی با قهرمان ملی، سفیر صاحب توان کسب رأی و مشروعیت مردمی را بهتر از هر شخصیت دیگری دارد چون بالا رفتن سطح ناامنی، فقر اقتصادی و فاصله گرفتن مردم از سیاسیون حکومتی خانوادهٔ جهاد و مقاومت ساحه جلب و کسب رأی را برای شخصیت تجربه ناشده فراهم ساخته است.

۳.در عرصه محبوبیت:
محبوبیت نسبت به مشروعیت در عرصهٔ حکومت‌داری تأثیر فوق‌العاده مثبت دارد چون اگر حکومت بعد از کسب مشروعیت رو به فساد و بی‌تفاوتی آورد، در قلب مردم جا نخواهد داشت و از حمایت مردمی بی‌بهره می‌ماند، از همین رو فرض بر این است که جناب مسعود به‌خاطر طمع نداشتن بر قدرت و ثروت دولتی می‌تواند مصدر خدمت گردد تا رضایت و محبوبیت مردمی را با خود داشته باشد.

۳.در عرصهٔ خدمت‌گذاری:
آنچه که تاکنون تجربه شده سیاسیون حکومتی موفق به عرضهٔ خدمات از آدرس حکومت نشده‌اند، بر عکس در طول هفده سال آقای مسعود با تکیه بر برنامهٔ آجندای ملی همیشه سعی و پیشنهاد بر وحدت نظر در سطح ملی و بین‌المللی برای افغانستان به‌منظور تغییر در ساختار سیاسی، تقویت احزاب و خدمت‌گذاری برای مردم... کرده است. در هفده سال گذشته رهبران سیاسی تاجیک فاقد برنامه بودند و به همین لحاظ وعده‌های‌شان عملی نمی‌گردد.
در اخیر چنین نتیجه گرفته می‌شود که اگر سیاسیون حکومتی تجربه شده دوباره خود را کاندیدا کنند بدون شک که یا رأی مورد نیاز را کسب نخواهند کرد که عاقبت چنین امری از دست رفتن اقتدار تاجیک‌تباران خواهد شد و یا اگر مشروعیت یابند دوباره توان خدمت‌گذاری را برایم مردم نخواهند داشت، پس عقل سلیم و تدبیر در سیاست حکم می‌کند که بهترین گزینه به‌خاطر کسب رأی اکثریت و خدمت‌گذاری برای شهروندان احمد ولی مسعود است.
در اخیر، تعدد کاندیدای حوزهٔ جهاد مقاومت شکست سیاسی این حوزه را قطعی ساخته و مثل انتخابات پارلمانی هیچ یک پیروز انتخابات نخواهند شد و دیده خواهد شد که پیروزی این حوزه را کی به بن‌بست می‌کشاند.

پس از شهادت نزدیک به ۵۰ تن:
عاملان این رویداد باید محاکمه شوند

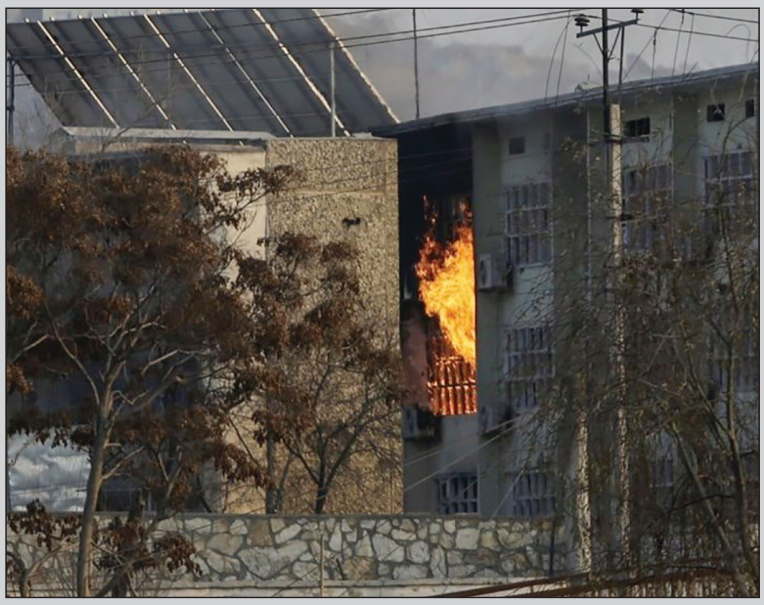

حملهٔ تروریستی بر وزارت فواید عامه که در آن نزدیک به پنجاه تن شهید و بیش از بیست تن مجروح شدند، با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شده است
فرستادهٔ ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان ضمن نکوهش حمله گروهی تروریستی بر وزارت فواید عامه و بخشی از معینیت شهدا و معلولان می‌گوید که عاملان این رویداد باید به عدالت کشانیده شوند.
در پیامی که پس از چاشت دیروز از سوی تدامیچی یاماموتو به نشر رسیده، آمده است که سازمان ملل تلاش می‌کند، در مورد حمله گروهی مهاجمان و تعداد قربانیان حمله دو روز پیش در وزارت فواید عامه معلومات دقیق حاصل کند.
آقای یاماموتو تاکید کرده است که این چنین حملاتی که سبب تلفات سنگین غیرنظامیان می‌شود هیچ‌گونه توجیه ندارد و باید عاملان آن محاکمه شوند. او از تمام جناح‌ها خواسته است که قوانین بشر دوستانه را مراعات کنند و از آسیب رساندن به غیرنظامیان جلوگیری کنند.
فرستاده ویژه سازمان ملل برای افغانستان تصریح کرده است که آنان همیشه در کنار مردم افغانستان می‌ماند و از صلح به رهبری و مالکیت افغان‌ها نیز حمایت می‌کند تا این کشور به ثبات و آرامش برسند.
رییس حکومت وحدت ملی ساعاتی پس از این رویداد آن را نکوهش و تاکید کرده است که دشمنان مردم افغانستان برای پنهان کردن شکست‌های شان در مقابل نیروهای امنیتی، چنین حملاتی را در مقابل تاسیسات عامه و غیر نظامیان انجام می‌دهند.
رییس اجرایی حکومت وحدت ملی نیز گفته است مسوول این حملهٔ تروریستی، طالبان جنایتکار هستند.
او گفته است: حمله تروریستی روز دوشنبه در کابل یک تراژیدی دردناک بود که از شهروندان بی‌گناه افغانستان قربانی گرفت.
به گفتهٔ عبدالله عبدالله: «هر گروهی که این مسئولیت را به عهده بگیرد، نزد حکومت و مردم افغانستان مسوول این جنایت گروه تروریستی طالبان و کشور حمایت کننده آنان است. گروهی که جرأت مذاکره رو به رو با حکومت و مردم افغانستان را ندارد و از کشتن شهروندان و ریختن خون بی‌گناهان دریغ نمی‌کند».
دو روز پیش، چهار مهاجم انتحاری با حمله بر وزارت فواید عامه نزدیک به پنجاه نفر را کشت و حدود چهل نفر دیگر را زخمی ساخت. وزارت صحت عامه کشته شدن ٤٠ نفر و زخمی شدن ٢٧ نفر دیگر را تأیید کرده است که به شفاخانه‌ها انتقال یافته اند.
نجیب دانش، سخنگوی وزارت داخله نیز گفته است: «حوالی ساعت ۳:۱۵ دقیقه بعد از ظهر دوشنبه، ٤ تروریست پس از یک انفجار موتر بم در نزدیک تعمیر اداره شهدا و معلولین، وارد این دو اداره شدند. دو تروریست وارد وزارت فواید عامه و یکی از آنها وارد اداره شهدا و معلولین شدند و غیرنظامیان را هدف قرار دادند».

کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان:
۶۲۰ هزار تن در افغانستان نیاز به کمک‌های فوری زمستانی دارند

سازمان ملل میگوید که ٦٢٠ هزار تن در افغانستان نیاز به کمکهای فوری زمستانی دارند.
کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان(UNHCR) با انتشار بیانیه‌یی گفته است که این اداره، حکومت افغانستان و نهادهای کمک‌رسانی تنها می‌توانند به ٤٢٠ هزار تن کمک فوری کنند.
این در حالی است که کمیشنری عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان می‌گوید که به سلسله کمک‌ها به نیازمندترین در افغانستان، تاکنون به ۵۸ هزار نفر کمک شده است.
در بیانیهٔ این کمیشنری آمده که در هماهنگی با وزارت مهاجران و برگشت‌کننده‌گان می‌خواهند که به ۱۵۰ هزار خانواده برگشت‌کننده و بی‌جا شده و دیگر افراد نیازمند کمک زمستانی اهدا کند.
فتحیه عبدالله، یک مقام کمیشنری عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان در این مورد گفته است: «در حالی که برای پیدا کردن راه حل‌های دایمی برای بی‌جاشده‌گان داخلی تلاش می‌شود، فراهم نمودن کمک مالی تقریبا ۲۰۰ دالر بدون قید و شرط، عجالتا برای هر خانواده مستحق صورت می‌گیرد تا آن‌ها فصل زمستان را نسبتا گرم و راحت سپری نمایند.»
به گفتهٔ این کمیشنری، آن‌ها در حال حاضر تنها مصروف توزیع کمک‌های نقدی به ۱۷ هزار و ۵۰۰ تن در شهر کابل اند.

هند ادارهٔ بندر چابهار را رسماً به عهده گرفت

مقامات افغانستان، ایران و هند ادارهٔ بندر چابهار را به شرکت دولتی پورتس گلوبل لمتد هند سپردند.
آژانس خبررسانی هندوستان تایمز از قول مقامات هندی نگاشته است که در پی موافقت مقامات وزارت خارجه هند و سازمان بنادر و دریانوردی ایران، ادارهٔ بند چابهار به هند واگذاز شده است.
در عین حال، آژانس خبررسانی ایرنا به قول از یک مامور بلند رتبهٔ ایران می‌نگارد که بندر چابهار برای ده سال به شرکت پورتس گلوبل لمیتد هند به کرایه داده شده است.
منبع می‌افزاید که براساس توافق‌نامه بین سه کشور ایران، هند و افغانستان، شرکت پورتس گلوبل هند مسوولیت تخلیه و بارگیری، تامین تجهیزات و بازاریابی بندر چابهار را بر عهده دارد.
این در حالی‌ست که افغانستان با توجه به نیازهای وارداتی‌اش از طریق بندرهای مرزی با پاکستان، در سال‌های اخیر زیر فشار شدیدی قرار داشت.
با این حال، وزارت امور خارجه امریکا در ماه گذشته از معافیت بندر چابهار از تحریم‌ها خبر داد و اعلام کرد که این اقدام در راستای کمک به توسعهٔ اقتصادی افغانستان صورت گرفته است.

بورد مشورتی صلح...

برخورد سران حکومت وحدت ملی گلایه کنند و خواهان احقاق حقوق حقه طیف گسترده دانش آموخته‌گان و نیروهای ملی و دموکراتیک گردند.
٦- انسجام نیروها و هماهنگی فکری شان زمینهٔ ایجاد دولت نیرومند فکری و حمایت قوی مردمی را مساعد می‌سازد. پس برای داشتن یک دولت مقتدر، نیرومند و کارا ایجاب می‌کند که ساختارسازی را با ذهنیت‌سازی آغاز کرد یعنی با ذهنیت‌سازی مثبت و موثر در انسجام اشخاص و افراد به عنوان نخبه‌گان و مسوولان، ساختارهای اجتماعی را شکل داد و این ساختار می‌تواند با سهم‌گیری فعال سیاسی در تمام تصامیم سرنوشت‌ساز ملی و بین‌المللی حضور داشته باشد. دولت‌ها با وجود داشتن قوه‌های ثلاثه هرگز نمی‌توانند نقش نیروهای اجتماعی ـ سیاسی را نادیده بگیرند؛ پس بدون حضور فعال نیروهای اجتماعی ـ سیاسی منسجم و موثر، داشتن حاکمیت آزاد، مستقل، عادلانه، مردمی و خدمت‌گزار متصور نیست.
۷- به طالبان نیز باید تفهیم گردد که به کلیت مفاد قانون اساسی یعنی استقرار جمهوری اسلامی افغانستان تمکین کنند و از ارایه طرح بدیل امارت خلاف اسلامی انصراف ورزند. همچنان از همدردی به گروه‌های تروریستی دست بردارند. با وجود آنکه جرایم سنگین بشری را مرتکب شده اند نباید بدون قید و شرط در جامعه مدغم شوند و کلیه قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی را محترم شمارند.

پُشت تلاش‌های خلیل‌زاد

مجید وقاری

مقدمه

موضوع صلح افغانستان پس از انتصاب زلمی خلیل‌زاد به عنوان نمایندهٔ امریکا برای پایان جنگ در افغانستان، وارد مرحلهٔ تازه شده است که خود را مسوول پیگیری روند صلح این کشور می‌داند. دیدارهای آقای خلیل‌زاد با گروه طالبان و سفر به کشورهای منطقه (که بدون در نظر گرفتن استقلال و حاکمیت افغانستان صورت می‌گیرد)، موجب شده است اعتراض دولت این کشور را نیز برانگیزد؛ به گونه‌یی که دولت افغانستان بارها تأکید کرده است که هیچ توافق صلحی را بدون حضور دولت کابل نمی‌پذیرد.

با این حال، برگزاری نشست سه‌روزهٔ نماینده‌گان دولت‌های امریکا، عربستان، امارات و پاکستان و همچنین دفتر سیاسی طالبان در قطر در ابوظبی که از روز سه شنبه هفتهٔ پیش آغاز شد، نشان می‌دهد تلاش‌های امریکا در این خصوص جدی است، هرچند که طبق اخبار رسانه‌ها دولت افغانستان در اجلاس ابوظبی حضور نداشت.

پرسش

مهم‌ترین پرسش در این خصوص این است که آیا امریکا با وارد کردن طالبان به ساختارهای سیاسی افغانستان، درصدد مدیریت تحول جدیدی در این کشور است؟ آیا پاکستان با ایفای نقش مثبت در این روند، درصدد یافتن جایگاه گذشتهٔ خود در افغانستان است؟

فرضیه

امریکا با مدیریت تحولات افغانستان، درصدد است تا ایتلافی از متحدان خود در افغانستان را حول محور این کشور و طالبان ایجاد کند تا مانع خودنمایی‌های روسیه، چین، ایران و هند در تحولات افغانستان و منطقه شود .

نشست صلح در امارات، ادامهٔ مدیریت امریکایی آن

بسیاری از ناظران سیاسی، نشست امارات را در مورد روند صلح افغانستان، از چند جهت نقطهٔ تحول در این خصوص می‌دانند که عبارتند از:

۱- حضور نمایندهٔ دولت عربستان در نشست امارات متحده در مورد روند صلح افغانستان برای نخستین‌بار صورت می‌گیرد. عربستان به همراه امارات، از تشکیل دهنده‌گان گروه طالبان در سه دههٔ گذشته هستند که همچنان از این گروه حمایت می‌کنند. حضور عربستان در نشست امارات نشان می‌دهد که امریکا موفق شده است موسسان و تشکیل دهنده‌گان طالبان را پشت یک میز بنشاند؛ اما با این تفاوت که اگر در آن مقطع برای وارد کردن گروه طالبان به جنگ در افغانستان بود، اکنون برای وارد کردن این گروه به روند صلح در این کشور است. در دههٔ نود نیز دولت افغانستان در تشکیل گروه طالبان و ورود آن به عرصهٔ جنگ این کشور هیچ نقشی نداشت و اکنون نیز به نظر می‌رسد که امریکا با میدان‌داری و با به دست داشتن ابتکار عمل، همچنان می‌کوشد بدون دخالت دولت افغانستان، طالبان را وارد عرصهٔ سیاسی این کشور کند. بدون تردید، عربستان و امارات مانند گذشته مسوولیت تأمین مالی این روند را برعهده خواهند داشت و پاکستان نیز که همچنان خواهان حفظ افغانستان به عنوان حیاط خلوت خود است، می‌کوشد در کنار امریکا نقش محوری ایفا کند.

۲- اظهارات نخست‌وزیر و سایر مقام‌های دولت پاکستان در مورد روند صلح افغانستان، بیانگر نرمش جدی اسلام‌آباد در این خصوص است و به نظر می‌رسد، ارتش پاکستان که از دولت عمران خان حمایت می‌کند، تصمیم خود را برای کمک به پیشبرد روند صلح افغانستان اتخاذ کرده است. نامهٔ اخیر دونالد ترامپ به عمران خان برای همکاری جهت پیشبرد روند صلح افغانستان، بدون تردید در انعطاف مواضع اسلام‌آباد بسیار موثر بوده است. به گونه‌یی که یادآورِ هُشدار جرج بوش پسر به پرویز مشرف، رییس جمهور وقتِ پاکستان در سالِ ۲۰۰۱ است که در آن زمان، او در مورد پیامدهای همکاری نکردن پاکستان در جنگِ ضدطالبان به مشرف هُشدار داد و او را در شرایط سخت انتخاب قرار داد؛ زیرا پاکستان همراه با عربستان و امارات، از موسسان طالبان بوده اند. اما این‌بار ترامپ در مورد پیامدهای همکاری نکردن پاکستان برای صلح با طالبان، به عمران خان هُشدار داد. در سال‌های اخیر و بعد از آنکه جرج بوشِ پسر پاکستان را به اتخاذ سیاست دوگانه در قبال افغانستانَ و سیاست‌های امریکا در آن کشور متهم کرد، روابط واشنگتن و اسلام‌آباد مخدوش شد و در زمان دونالد ترامپ، به دلیل آنکه او به طور مستقیم پاکستان را به حمایت از تروریسم متهم می‌کند، روابط دو طرف متشنج شد.

قطع کمک‌های مالی و نظامی امریکا به پاکستان، این کشور را در شرایط سختی قرار داده است. از این‌رو، به نظر می‌رسد ارتش پاکستان دورهٔ حاکمیت دولت عمران خان را که از آن حمایت می‌کند، فرصتی مناسب برای انعطاف در برابر فشارهای امریکا و به گونه‌یی، تسلیم شدن در برابر خواسته‌های این کشور در مورد افغانستان می‌داند. عمران خان نیز با اعلام نرمش اسلام‌آباد در برابر امریکا، درصدد است تا بعد از نشست امارات، نشست دو روزه میان خلیل‌زاد و گروه طالبان در اسلام‌آباد برگزار کند تا همکاری خود را با واشنگتن بیش از پیش اثبات کند.

۳- آن‌گونه که گزارش‌های خبری نشان می‌دهد، در نشست امارات، نمایندهٔ دولت افغانستان حضور نداشت و این کار مغایر با مواضع اخیر دولت محمداشرف غنی است که اعلام کرد: هرگونه مذاکرهٔ صلح بدون حضور نمایندهٔ دولت کابل، باطل است. البته رسانه‌های غربی درصدد اند وانمود کنند که دولت افغانستان اعلام کرده است، هر تصمیمی که نمایندهٔ امریکا در نشست امارات اعلام کند، با آن موافق است، تا با این کنش، به گونه‌یی حضور نداشتن نمایندهٔ دولت افغانستان را در نشست امارات توجیه کند .

٤- برگزاری نشست مهم صلح افغانستان در خارج از این کشور با مدیریت امریکا است که دخالت آشکار در روند صلح و امور داخلی افغانستان تلقی می‌شود. در حالی که محمداشرف غنی به تازه‌گی دو گروه ویژهٔ و مشورتی در مورد روند صلح افغانستان تشکیل داد. حضور نداشتن نماینده‌یی از این گروه‌ها و یا شورای عالی صلح افغانستان در نشست‌های صلح این کشور به معنای نادیده گرفتن استقلال و حاکمیت ملی افغانستان است. گروه ویژه، مسوولیت گفت‌وگوی مستقیم با طالبان را برعهده دارد و تحت نظر رییس دفتر رییس حکومت وحدت ملی عمل می‌کند و گروه مشورتی نیز متشکل از سران اقوام و شخصیت‌های سیاسی و جهادی این کشور است تا به گروه مذاکره کننده مشورت بدهد. بنابراین، به رغم ادعای رسانه‌های غربی، نه‌تنها دولت افغانستان به امریکا برای پیشبرد روند صلح اختیار نداده است، بلکه بیانگر تلاش امریکا برای خنثی کردن هر گونه تلاش‌های دولت کابل برای ایفای نقش مهم و موثر در روند صلح افغانستان است.

افشاندن بذر قوم‌گرایی در پوشش تلاش‌های صلح

همزمان با تلاش‌های زلمی خلیل‌زاد برای تشکیل ایتلافی از متحدان واشنگتن در امور این کشور، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان نیز بیکار ننشسته و در تلاش است تا ایتلافی از احزاب به ویژه پشتون‌ها برای صلح با طالبان ایجاد کند. این موضوع با توجه به پشتون بودن زلمی خلیل‌زاد، قابل توجه است. در واقع، ایتلافی از سه جریان پشتون متشکل از لیبرال‌های غرب‌گرا در درون دولت، حکمتیار و طالبان در حال شکل‌گیری است تا روند تحولات افغانستان همچنان تحت تأثیر قوم پشتون اداره شود .

واگرایی در میان احزاب و گروه‌های غیرپشتون سبب شده است تا حکمتیار و خلیل‌زاد برای تشکیل ایتلاف پشتون‌ها گام بردارند. درخواست حکمتیار از طالبان برای شرکت در انتخابات پیشروی ریاست جمهوری با پیوستن به احزابی که خواهان خروج نیروهای امریکایی از افغانستان هستند، در واقع تلاش برای تقویت پشتون‌گرایی در این کشور است، زیرا به نظر می‌رسد، خلیل‌زاد توانسته طالبان را متقاعد کند که از طریق جنگ، دیگر قادر به کسب قدرت در افغانستان نخواهد بود، بلکه تنها از طریق مشارکت در روند دمکراتیک و انتخابات می‌تواند در این مسیر گام بردارد. موضوعی که به نظر می‌رسد محمداشرف غنی را نیز در مورد آیندهٔ وضعیت سیاسی‌اش در افغانستان، نگران می‌کند. این احتمال که امریکا با نادیده گرفتن رییس جمهوری افغانستان از سایر جریان‌های پشتون و نامزد آن‌ها در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری حمایت کند، دور از ذهن نیست و این برای محمداشرف غنی نگران کننده است و ممکن بازندهٔ نهایی روندی باشد که خود با توافق با حکمتیار آن را کلید زد و اکنون خارج از گود صلح افغانستان قرار گرفته است.

اهداف امریکا از برگزاری مذاکرات صلح افغانستان

بدون تردید، امریکا با شتابی که برای برقراری صلح در افغانستان دارد، اهدافی را دنبال می‌کند که عبارتند از:

۱- پایان دادن به یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های خارج از امریکا که این کشور درگیر آن است

۲- جلوگیری از تبدیل شدن جنگ افغانستان به ویتنامی دیگر برای امریکا

۳- جلوگیری از به دست گرفتن ابتکار عمل صلح افغانستان از سوی کشورهای منطقه از جمله روسیه

در نشست اخیر مسکو که برای کمک به برقراری صلح افغانستان برگزار شد، نماینده‌گانی از کشورهای هند، ایران، روسیه، افغانستان، چین، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و گروه طالبان حضور داشتند، اما امریکا در آن شرکت نکرد و نشان داد که با مشارکت کشورهای منطقه برای کمک به پیشبرد روند صلح افغانستان، به شدت مخالف است. به همین دلیل در هیچ یک از نشست‌های صلحی که امریکا برگزار می‌کند، کشورهای همسایهٔ افغانستان حضور ندارند .

نتیجه

به‌هر حال، روند تحولات جاری در افغانستان در ارتباط با صلح نشان می‌دهد که تلاش‌های امریکا برای برقراری صلح در افغانستان، متفاوت از آن چیزی است که کشورهای منطقه و مردم افغانستان خواهان آن هستند. زلمی خلیل‌زاد که از سال ۲۰۰۱ همزمان با وارد شدن نظامیان امریکایی با طالبان در ارتباط است، این‌بار می‌کوشد تا روند تحولات افغانستان را به گونه‌یی رقم بزند که ملاحظات پاکستان و منافع طالبان تأمین شود تا امریکا خود را در کازار افغانستان موفق نشان دهد. مأموریت اولیه خلیل‌زاد در افغانستان، مذاکره با طالبان به نماینده‌گی از شرکت‌های نفتی برای عبور امن خط لولهٔ نفت‌وگاز از آسیای مرکزی به جنوب آسیا بود و اکنون نیز خلیل‌زاد به نماینده‌گی از دونالد ترامپ، در حال پایه‌گذاری تحولاتی در افغانستان است که با حمایت از یک‌جانبه‌گرایی پشتون‌ها، در حال کاشتن بذر نفاق و درگیری قومی در افغانستان است.

بورد مشورتی صلح چه خواهد کرد؟

پوهاند دوکتور حبیب پنجشیری

به راستی هیچ واژه‌یی به اندازهٔ صلح نزد انسان از قدر و قدمت دیرین برخوردار نیست و چنان جایگاهی دارد که امکان استمرار حیات آدمی را فراهم ساخته است؛ آنچه موجب بهبود و بهزیستی در طول حیات انسان شده همانا صلح و مشارکت می‌باشد.

چندی پیش در نشست ملی زنان برای صلح مرتبط به بورد عالی مشورتی، حبیبه سرابی ضمن ارایه دیدگاه شان اعتراض خود را مطرح کردند که در خور تقدیر و ستایش می‌باشد. برای اینکه چند و چون این موضوع مهم ریشه‌یابی شده باشد، اکتفا به دلایل زیر می‌شود:

۱- اعضای بورد مشورتی صلح که با حکم رییس حکومت وحدت ملی از طریق رسانه‌ها انتشار یافت عمدتاً افراد و شخصیت‌هایی هستند که در مقامات ریاست‌جمهوری پیش و بعد از حاکمیت طالبان قرار داشتند. افزون بر آن در پست‌های معاونیت رییس‌جمهور، وزارت‌ها، ریاست‌های امنیت ملی در مقاطع مختلف و سفارت‌ها نقش ایفا کرده اند.

۲- چهره‌هایی به اصطلاح تاثیرگذار دیگر را اکثراً رهبران تنظیم‌های جهادی، مذهبی، قومی و سمتی احتوا می‌کند که در هر دو مرحله به عنوان مشاوران سیاسی و پالیسی میکران حامد کرزی و محمداشرف غنی بودند و به اثر فرمایشات معقول و مطلوب آنان و در مواردی پیشنهادات نامطلوب و غیر موجه این ذوات علاوه از شهادت و زخمی شدن فرزندان مردم، منابع هنگفت مالی جهانی و نیروهای نظامی و بشری ایالات متحدهٔ امریکا و ناتو نیست‌ونابود گردید. علی‌رغم آرزومندی‌های جامعهٔ بین‌المللی که به منظور مبارزه با تروریسیم به میهن ما آمده بودند و هدف شان کاهش گراف کشت، تولید، قاچاق و ترافیک مواد مخدر بود، این امر تحقق نیافت برعکس افزایش قابل ملاحظه‌یی را کسب کرد و در بعد احترام و رعایت حقوق بشری نیز با آنکه قوانین عالی نافذ و توشیح شد و از رویکرد خوب هم برخوردار بود در عمل ما گواه تحقق حاکمیت قانون و حکومت‌داری نمی‌باشیم.

۳- زنان نیز به اساس سفارشات مهاتما گاندی بیش از نصف نفوس را شکل می‌دهند. در حالی که زنان در قفس زندانی گردند و از متن رویدادها و مشارکت سیاسی رانده شوند، احساس سرخورده‌گی و سرشکسته‌گی کرده و رنج و جفای فراوان را متحمل می‌گردند که با شعارهایی همکاران بین‌المللی، ایالات متحده و ناتو حین حذف طالبان مطرح می‌شد هم‌خوانی و هماهنگی را نمی‌رساند بنابرآن، این عوامل خود موجب ایراد و انتقاد قشر زن شده است و به نگرانی آنان افزوده که مبادا اینگونه دستاوردها زیر سوال رود.

٤- قسمت اعظم و قابل ملاحظهٔ نفوس هر کشور را جوانان می‌سازد که از تحرک و پویایی لازم برخودار هستند. با وجود اینکه جوانان ظرفیت، قابلیت و مهارت‌های لازم خود را در پروسه‌ها و تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارند لیکن به آنان کوچکترین اعتنایی در بورد عالی مشورتی صلح معطوف نگردیده است که این امر خود با اظهارات و ابرازنظرهای عوام‌فریبانهٔ نخبه‌گان سیاسی کشور در هفده سال تناقض آشکار دارد و ایجاب می‌کند که دوستان بین‌المللی به رفع این کمبودها با توسل به اقدامات و تدابیر مفید و اثرگذار پرداخته و این نقیصه را برطرف سازند.

۵- بعد از سال ۲۰۱٤ میلادی نخبه‌گان سیاسی و رهبری حکومت وحدت ملی مدعی و مدافع نیروهای ملی و دموکراتیک خویش را معرفی می‌کردند. حین شکل‌دهی بورد مشورتی صلح در عمل این طرف‌داران پروپاقرص نیروهای ملی و دموکراتیک را قصداً به فراموشی سپردند. دلیل نپرداختن به نیروهای دموکراتیک و ملی نگرانی و تشویشی خوانده می‌شود که ناشی از آن است مبادا آنها دل به دریا سپرده با طرح‌های علماً تنظیم شده شان عامل خنثاسازی و عقیم کردن طرح‌های نیروهای تندرو و افراطی گردند به همین دلیل اینان حق دارند از نحوهٔ

صفحه٦

Mandegar DAILY

- صاحب امتیاز: **احمد ولی مسعود**
- مدیر مسؤول: **نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲**
- ویراستار: **روح الله یوسف زاده**
- مدیر خبر: **هارون مجیدی**
- گزارشگران: **ناجیه نوری، روح‌الله بهزاد و ابوبکر صدیق**
- برگ‌آرایی: **مجیب‌الله احمدی**
- نشانی برقی: **mandegar.daily@gmail.com**
- شمارهٔ تماس: **۰۷۸۵۲۹۹۶۶۰**
- مسؤول توزیع: **نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰**
- نشانی: **سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ**
- **به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.**
- چاپ: **مطبعه امام**

Year 10 ● NO 2400 ● Thursday ● 26 December 2018 www.mandegardaily.com

در بازی غنی و وحیدی کدام طرف برنده است؟

محمداشرف غنی باید ثابت سازد که در امر مبارزه با فساد دوگانه و سلیقه‌یی برخورد نمی‌کند. ارگ باید پاسخ بدهد که چرای یک متهم را مدال می‌دهد و برای متهم دیگر، دادگاه ویژه برگزار می‌کند؟ همچنان مردم منتظر اند ببینند حالا که وزیر پیشن مخابرات از اتهام‌های وارد شده برائت گرفته است، دوباره به وظیفه‌اش برمی‌گردد یا نه؟ این پرسش‌ها را باید ارگ ریاست حکومت وحدت ملی پاسخ بگوید.

روح‌الله بهزاد

سومین دور دادگاه ویژهٔ و علنی عبدالرزاق وحیدی، وزیر پیشین مخابرات و تکنالوژی معلوماتی افغانستان دیروز سه‌شنبه، ٤ قوس برگزار شد. این دادگاه اما آقای وحیدی را از اتهام «سوءاستفاده از صلاحیت‌های وظیفه‌یی» برائت داد و او را بیگناه شناخت.

آقای وحیدی در پرونده‌اش به «سوءاستفادهٔ منجر به حیف و میل عواید دولت» و ایجاد نکردنِ «سیستم ریل‌تایم» متهم شده بود.

وزیر پیشین مخابرات و تکنالوژی در جلسهٔ علنی‌اش گفت، با آنکه به دلیل ایجاد نشدنِ سیستم «ریل‌تایم» محمداشرفِ غنی وظیفه‌ام را به حالت تعلیق در آورد، اما از آن‌زمان تاکنون، هنوز سیستم ریل‌تایم در وزارت مخابرات ایجاد نشده است.

او در این جلسه، عکسی از وزیر مالیه و محمداشرف غنی را با خود آورده بود که نشان می‌داد، آقای غنی به اکلیل حکیمی، وزیر پیشین مالیه مدال می‌دهد. آقای وحیدی بیان داشت که سدِ و مخالف اصلیِ ایجاد نشدن سیستمِ ریل‌تایم در زمان وزارت او، اکلیل حکیمی، وزیر مالیهٔ پیشین بود.

سرانجام، رییس دادگاه ویژه پس از شنیدن دلایل و بررسی اسناد و مدارک آقای وحیدی، اعلام کرد که به دلیل «نبود دلایل کافیِ الزام» برای عبدالرزاق وحید برائتَ داده می‌شود.

وزیر پیشن مخابرات پس از حکم دادگاه به خبرنگاران گفت: «من با سپری کردن سه جلسهٔ محکمه، خواستم به مردم افغانستان حقیقت را نشان بدهم. این یک فرصت بود که مردم، عملکرد مسوولان و خدمت‌گذاران شان را تا سطح رییس جمهوری ارزیابی و قضاوت کنند».

او پیش از این گفته بود که اتهام فساد اداری از سوی برخی افراد به او وارد شده و یک توطیه سیاسی است، اما از کسی هم به گونهٔ مشخص نام نبرده بود.

با این‌همه اما آقای وحیدی در چند ماه اخیر همواره بر دادگاهی شدن اکلیل حکیمی، وزیر پیشین مالیه تأکید داشت و مدعی بود که عامل اصلی حیف و میل ده‌های میلیون افغانی پول بیت‌المال است. وزیر پیشین مخابرات مدعی شده بود که اتهام عدم ایجاد سیستم ریل‌تام از پروندهٔ او به دلیل آنکه پای آقای حکیمی در آن گیر بود، حذف شده است در حالی که وظیفهٔ او به همین دلیل به تعلیق درآمده بود.

گذشته از این‌ها، حالا که اتهام‌های وارد شده به وزیر پیشین مخابرات از سوی دادگاه نتوانست به مجرم بودن او شهادت دهد، پرسش این است که برای اعادهٔ حیثیت آقای وحیدی، محمداشرف غنی و در مجموع حکومت چه می‌کند؟ وقتی عبدالراق وحیدی متهم به سوءاستفاده از صلاحیت‌های وظیفه‌یی شد، بسیاری‌ها را باور بر این بود که با این مقام حکومت، برخورد سیاسی شده است، زیرا آقای وحیدی از آدرس رقیب سیاسی و انتخاباتی تیم «تحول و تداوم» به کرسی وزارت رسیده بود.

اکنون مردم چشم انتظارِ واکنش وارد کننده‌گان این اتهام به آقای وحیدیَ هستند. مردم انتظار دارند ببینند که آیا حکومت در امر مبارزه با فساد واقعاً جدی است یا شعار مبارزه بافساد ابزاری برای حذف رقیبان سیاسی محمداشرف غنی و تیم او است. قشر سیاسی و مردم همچنان انتظار دارند که حکومت اتهام‌های وارد شده به اکلیل حکیمی را نیز بررسی کند.

محمداشرف غنی باید ثابت سازد که در امر مبارزه با فساد دوگانه و سلیقه‌یی برخورد نمی‌کند. ارگ باید پاسخ بدهد که چرای یک متهم را مدال می‌دهد و برای متهم دیگر، دادگاه ویژه برگزار می‌کند؟ همچنان مردم منتظر اند ببینند حالا که وزیر پیشن مخابرات از اتهام‌های وارد شده برائت گرفته است، دوباره به وظیفه‌اش برمی‌گردد یا نه؟ این پرسش‌ها را باید ارگ ریاست حکومت وحدت ملی پاسخ بگوید.

انتظار دیگر این است که دادگاه ویژه تنها به برائت دادن وزیر پیشن مخابرات اکتفا نکند. وقتی دادگاه ویژه، عبدالرزاق وحیدی را بیگناه شناخته و او را برائت داد، باید باتوجه به اصول قانونی، حکم دهد تا آقای وحیدی دو باره به وظیفه‌اش باز گردد. این کار بی‌طرفی و مستقل بودنِ دادگاه ویژه را هرچه بیشتر تقویت می‌کند. در این زمینه آقای وحیدی خود نیز می‌تواند تلاش کند. قانون این حق را به آقای وحیدی داده است تا در برابر کسانی که به او اتهام وارد کرده بودند، اقامهٔ دعوا و اعادهٔ حیثیت کند.

بلخي:
په ۱۳۹۷ کال کې جګړو او وچکالۍ ۹۲۱۹۴ کورنۍ بې ځایه کړې

د افغانستان د کډوالو او بېرته راستنېدونکو چارو وزیر وایي، د جګړې تر څنګ وچکالي هغه څه و چې سږ کالې زرګونه افغانان له خپلو مېنو بې‌ځایه کړل.

نوموړی وایي، په ۱۳۹۷ لمریز کال کې د جګړو او وچکالۍ له امله له ۹۲ زرو څخه ډېرې کورنۍ بې‌ځایه شوې دي.

سید عالمي بلخي د سې شنبې په ورځ «۱۳۹۷ کال د مرغومې ۰۴» د مشرانو جرګې په استجوابیه غونډه کې په‌ډې اړه وویل: «په ۱۳۹۷ لمریز کال کې په خواشینۍ سره چې د جګړو او ناامنیو تر څنګ د وچکالۍ له امله هم ډېرې کورنۍ بې‌ځایه شوې، د جګړو او وچکالۍ له امله په ټوله کې ۹۲ زره او یو سلو ۹۴ کورنیو ته رسېږي.»

ښاغلي بلخي وویل، دغه کورنۍ بېرنیو مرستو ته اړتیا لري او د افغانستان ملي شورا باید د راتلونکي کال په بودجه کې دغو بې‌ځایه شویو ته جدي پام وکړي.

افغانستان په وروستۍ لسیزه کې سختو وچکالیو ځپلی دی چې تر ډېرېي د خلکو کرنې او مالداری ته زیان اړولی دی.

د افغانستان د طبیعي پېښو په وړاندې د مبارزې وزارت د معلوماتو له مخې اوس‌مهال په ټول هېواد کې شااوخوا ۲،۲ میلیونه وګړي، بېرنیو غذایي مرستو ته اړتیا لري.

د دغه وزارت په خبره په تېرو څو کلونو کې څه باندې پنځه لکه کسان د وچکالۍ او ناامنیو له امله له خپلو اصلي مېنو نورو سیمو ته کوچېدلي چې مرستو ته اړتیا لري.

له بلې‌خوا د مشرانو جرګې غړي د وچکالۍ تر څنګ په پاکستان او ایران کې د افغان کډوالو ناوړه وضعیت هم د اندېښنې وړ یاد کړ. د دغو سناتورانو له ډلې ډاکتر غیرت بهیر وویل، افغان کډوال په ګاونډیو هېوادونو په ځانګړې ډول ایران او پاکستان کې وهل او ټکول کېږي او ترې سیاسي ګټه اخیستل کېږي.

نوموړي زیاته کړه: «په ایران او پاکستان کې د افغان کډوالو وضعیت د اندېښنې وړ دی، وهل کېږي، سپکاوی ورته کېږي او د ځینو هېوادونو له لوري جګړو ته استول کېږي؛ له هغې ډلې د سوریې جګړې ته چې دې مسئلې ته باید جدي پاملرنه وشي.»

په ایران او پاکستان کې له افغان کډوالو سره ناوړه چلند که څه هم کومه نوې خبره نه‌ده، خو تر دې وړاندې په ټولنیزو رسنیو کې خپرې شوې یوې ویډیو چې په‌کې یو ایرانی پولیس ښودل کېږي چې یو شمېر افغانان وهي او سپکې سپورې ورته وایي، په افغانستان کې دننه د خلکو سخته غصه راوپاروله.

دا په داسې حال کې ده چې د یو شمېر راپورونو له مخې، اوس‌مهال شااوخوا یو میلیون افغانان په ایران کې کډوال دي چې وخت ناوخته ورسره د ایرانیانو د ناوړه چلند په اړ راپورونه ورکول کېږي.

خو د افغانستان د کډوالو چارو وزیر وایي، په ایران او پاکستان کې د افغان کډوالو د ستونزو د هواري لپاره هلې ځلې روانې او تر یوې اندازې یې ستونزې هوارې شوې دي.

تناقض فاحش در گفتار و کردار دونالد ترامپ

محمدجواد رحیمی

دونالد ترامپ قبل از آنکه رییس‌جمهور امریکا شود، حملهٔ نظامی امریکا به افغانستان را یک اشتباه خوانده بود و چندین‌بار بر خروج نیروهای امریکایی از افغانستان تأکید کرده بود. اما در ماه اکتوبر سال ۲۰۱۵، در یکی از مصاحبه‌هایش با شبکه سی.ان.ان، از عدم پیروزی در جنگ افغانستان ابراز نارضایتی کرد و حضور امریکا در افغانستان را مهم و ضروری دانست. متعاقباً، بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور و حین اعلام استراتژی جدیدش برای افغانستان، او هشدار داد که خروج عجولانهٔ سربازان امریکایی از افغانستان، زمینه رشد تروریسم در این کشور را مساعد میسازد.

همچنان، ترامپ به صراحت بیان کرد که خروج نیروهای امریکایی از افغانستان بر اساس جدول زمانی صورت نخواهد گرفت. بلکه، زمانی این نیروها خارج خواهند شد که ظرفیت و قدرت حکومت تحت حمایت آن کشور در افغانستان بلند برود و طالبان به شکل جدی و اساسی نابود شوند. در عین حال، در ماه آگست سال ۲۰۱۶، ترامپ رییسجمهور اسبق امریکا بارک اوباما را بنیانگذار داعش خطاب کرده افزود که خروج نیروهای امریکایی از عراق زمینه را برای ایجاد داعش فراهم کرد. ترامپ تأکید کرد که خروج نیروهای امریکایی از عراق و به حکم بارک اوباما، یک اشتباه تاریخی بود و این اشتباه در افغانستان تکرار نخواهد شد.

اما، نشر تصمیم ترامپ مبنی بر خروج نیم از نیروهای امریکایی از افغانستان ضمن آنکه بیثباتی فکری و نافهمی سیاسی و نظامی او را به نمایش گذاشت، برای هراسافگنان نیز واضح کرد که این کشور منبعد در خصوص مبارزه با آنها جدیت ندارد و به شکل غیر مستقیم، شکست امریکا در برابر آنها را به سطح جهان افهام و تفهیم کرد. در عین حال، اعلام حکم خروج نیروهای امریکایی از افغانستان پیام دیگری نیز داشت و آن اینکه منبعد طالبان و سایر جنگجویان مخالف برای ترامپ به عنوان یک تهدید پنداشته نمیشوند. نهایتاً، در هر دو مورد متذکره، زیان بزرگ متوجه امریکا و حکومت افغانستان خواهد بود.